

## فهرست (پایه دوم)

سؤال	درسنامه	
۱۱	۱۰	ستایش: ای بی نشان
۱۷	۱۲	درس یکم: مبانی تحلیل متن
۳۱	۲۸	درس دوم: سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار در شعر فارسی
۳۷	۳۵	درس سوم: واج آرایی (نغمه حروف)، واژه آرایی (تکرار)
۵۱	۴۸	درس چهارم: تاریخ ادبیات پیش از اسلام و قرن‌های اولیه هجری
۵۸	۵۴	درس پنجم: هماهنگی پاره‌های کلام
۶۷	۶۵	درس ششم: سجع و انواع آن
۸۰	۷۵	درس هفتم: سبک و سبک شناسی (سبک خراسانی)
۹۱	۸۸	درس هشتم: وزن شعر فارسی
۹۹	۹۷	درس نهم: مولزنه و ترصیع
۱۱۱	۱۰۷	درس دهم: زبان و ادبیات فارسی در سده‌های پنجم و ششم و ویژگی‌های سبکی آن
۱۲۲	۱۱۷	درس یازدهم: قافیه
۱۴۱	۱۳۹	درس دوازدهم: جناس و انواع آن

۱۵۴

نیایش: به امید تو

۵۶۶

پاسخ‌های تشریحی

## فهرست (پایه یازدهم)

۱۵۶

ستایش: الهی

## سؤال

## درسنامه

۱۶۱

۱۵۷

درس یکم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم

۱۶۹

۱۶۷

درس دوم: پایه‌های آوایی

۱۷۶

۱۷۳

درس سوم: تشبیه

۱۹۴

۱۹۱

درس چهارم: سبک‌شناسی قرن‌های ۷ و ۸ و ۹ (سبک عراقی)

۲۰۵

۲۰۲

درس پنجم: پایه‌های آوایی همسان (۱)

۲۱۵

۲۱۳

درس ششم: مجاز

۲۲۷

۲۲۵

درس هفتم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های دهم و یازدهم

۲۳۲

۲۳۰

درس هشتم: پایه‌های آوایی همسان (۲)

۲۴۳

۲۴۰

درس نهم: استعاره

۲۵۸

۲۵۴

درس دهم: سبک‌شناسی قرن‌های ۱۰ و ۱۱ (سبک هندی)

۲۷۸

۲۷۵

درس یازدهم: پایه‌های آوایی همسان دولختی

۲۹۷

۲۹۶

درس دوازدهم: کنایه

۶۰۲

پاسخ‌های تشریحی

## فهرست (پایه دوازدهم)

سؤال	درسنامه	
۳۲۷	۳۲۶	ستایش: دریای لطف
۳۳۲	۳۲۸	درس یکم: تاریخ ادبیات قرن‌های دوازدهم و سیزدهم (دوره بازگشت و بیداری)
۳۴۴	۳۴۱	درس دوم: پایه‌های آوایی ناهمسان
۳۵۶	۳۵۳	درس سوم: مراعات نظیر، تلمیح و تضمین
۳۷۲	۳۶۸	درس چهارم: سبک‌شناسی قرن‌های دوازدهم و سیزدهم (دوره بازگشت و بیداری)
۳۸۳	۳۸۰	درس پنجم: اختیارات شاعری (۱): زبانی
۴۰۰	۳۹۸	درس ششم: لف و نشر، تضاد و متناقض‌نما
۴۲۳	۴۱۷	درس هفتم: تاریخ ادبیات قرن چهاردهم (دوره معاصر و انقلاب اسلامی)
۴۳۶	۴۳۳	درس هشتم: اختیارات شاعری (۲): وزنی
۴۵۸	۴۵۴	درس نهم: اغراق، ایهام و ایهام تناسب
۴۷۹	۴۷۴	درس دهم: سبک‌شناسی دوره معاصر و انقلاب اسلامی
۴۸۶	۴۸۴	درس یازدهم: وزن در شعر نیمایی
۴۹۷	۴۹۳	درس دوازدهم: حسن تعلیل، حسن آمیزی و اسلوب معادله

۵۱۹

نیایش

۵۲۱

پیوست (سؤالات ترکیبی آرایه‌های ادبی)

۶۶۲

پاسخ‌های تشریحی

پایہ محم

# ستایش

## ای بی نشان

غایب از نظر بودن و عظمت خداوند / فراگیر بودن وجود خداوند / ناتوانی انسان در درک و شناخت خداوند

تجلی خداوند در همه جا / غایب از نظر بودن خداوند / معجز در شناخت / فراگیر بودن وجود خداوند / ناتوانی انسان در درک و شناخت خداوند / ناتوانی انسان در درک و شناخت خداوند

ناتوانی انسان در درک و شناخت خداوند  
عظمت خداوند

آمیخته بودن خداوند با روان بنده جویای حق / ناتوانی انسان در درک و شناخت خداوند

ناپیدایی خداوند در عین آشکار بودن نشانه‌های وجود او

ای بی نشان مصطفی، نشان از که جویمت؟  
گم گشت در تو هر دو جهان، از که جویمت؟

تو گم نه ای و گم شده تو منم، ولیک  
نا یافت یافت می توان از که جویمت؟

پیدا یسی بچسبنت، اتا نیافتم  
اکنون مرا بگو که نهان از که جویمت؟

چون در رهت یقین و کماتی همی رود  
ای برتر از یقین و گمان، از که جویمت؟

در جست و جوی تو دلیم از پرده اوقات  
ای در درون پرده جان، از که جویمت؟

«عطار» اگر چه یافت به عین یقین تو را  
ای بس هیان، به عین عیان از که جویمت؟

سر نخ را داده‌ایم دست خود خدا. همه چیز را سپرده‌ایم به خودش. اوست که من و تو را آورده و راه می‌بزد و تا آخر، همراهی می‌کند. دلت را بسیار دست خودش، چند سطر ابتدای کتاب، بهانه‌ایست برای ستایش ذات بی‌همتای خداوند بلند، بزرگ، بخشنده، بی‌مانند، بهترین. ابتدا به بیت‌ها و مفاهیمشان نگاهی می‌اندازیم و بعد می‌رویم سراغ سوال‌ها ... تترس ... دست را به ما بده، سر نخ را بگیر و بیا!

## پوشش های چهارگزینه ای

قراره لایه لایه سوآلا، به چند کلمه حرف برنیم باهم تا قضیه، خوب دستت بیاد. این نوشته ها قراره درباره حال و هوای کتاب، تست و نکته هاشون بگن. به وقتا هم، بپونه ای بن تا به کم از خودمون بگیم، بیشتر آشنا بشیم یا هم! ببینیم چند چندیم اصلاً! واقعاً اومدی کار کنی یا نه؟!

توی بخش «ستایش» همین که مفهوم بیتا رو بدونی کافیه. حواست باشه! توی کنکور باید به چن تا سؤال قرابت هم جواب بدی که از بیتای درس انتخاب میشن. واسه همین، کئی سؤال قرابت ناب و درجه یک از بیتا و عبارتای کتابای علوم و فنون طرح کردیم. از همین جا به مفهوم بیتا توخه کردیم تا آخر دوازدهم. خب، بسم!...

## ۱ کدام گزینه با بیت « پیدا بسی بختت، اما نیافتم / اکنون مرا بگو که نهان از که جویمت؟ » ارتباط معنایی دارد؟

- (۱) ز راه حکمت و رحمت عموم اشیا را  
(۲) به دست احمد مرسل به کافران قریش  
(۳) کمال لم یزل (=باقی) وذات لایزالی (=ایدی) لوی  
(۴) درازدستی ادراک و تیزگامی وهیم
- طریق کسب کمالات خاص بنموده است  
هزار معجزه رنگ رنگ بنموده است  
ز هرچه نسبت نقصان بود برآسوده است  
طناب نوبتی حضرتش نیموده است

## ۲ کدام گزینه با بیت « پیدا بسی بختت، اما نیافتم / اکنون مرا بگو که نهان از که جویمت؟ » تناسب معنایی دارد؟

- (۱) جز وصف و ذکر تو نکنم زان که خوش تر است  
(۲) عقل و وهم کی سنجد اوج کبریایش را؟  
(۳) عارفی کز هر دو عالم بگذرد  
(۴) روزی تو بازننگردد ز در
- وصفت ز هر حکایت و ذکر ز هر سخن  
جان و دل چه سان گوید مدحت و ثنائیش را؟  
بهر در یکتای بی همتا شود  
کار خدا کن، غم روزی مخور

## ۳ کدام گزینه با بیت « چون در رهت یقین و گمانی همی رود / ای برتر از یقین و گمان، از که جویمت؟ » متناسب است؟

- (۱) و صسف او روح در زبسان آرد  
(۲) به هر وصف که می گویم نه آنی  
(۳) بی لعل لب و وصف شکر می نتوان کرد  
(۴) وصف جمال رویت می گویم و نگوید
- یساد او آب در دهسان آرد  
که تو برتر ز وصف و داستانی  
بی عکس رخت فهم قمر می نتوان کرد  
کس وصف حال خرو شیرین تر از «نظامی»

## ۴ مفهوم کدام گزینه با بیت زیر متناسب تر است؟

- « چون در رهت یقین و گمانی همی رود  
(۱) یوسف از قحط خریدار دل خود می خورد  
(۲) چشم از آن حسن جهان گیر چه ادراک کند؟  
(۳) سر خورشید در این راه به خاک افتاده است  
(۴) جلوه بیهوده ضایع مکن ای باغ بهشت
- ای برتر از یقین و گمان، از که جویمت؟  
حسن مغرور تو می داشت اگر پروایی  
در حبایی چه قدر جلوه کنند دریایی؟  
که به افتادگی سایه کند پروایی  
که من از گوشه دل یافته ام مأوایی

## ۵ ابیات کدام گزینه با یکدیگر تناسب معنایی بیشتری دارند؟

- (الف) رحمت آرید بر آن مرغ سحرخوان چمن  
(ب) کسی را در این بزم ساغر دهند  
(ج) تو گم نه ای و گم شده تو منم، ولیک  
(د) هرچه در وصف تو گویند و کنند اندیشه  
(ه) ولیکن خداوند بالا و پست
- کاو بماند ز گل و طرف گلستان محروم  
که داروی بی هوشی اش در دهند  
نایافت یافت می نتوان، از که جویمت؟  
آن همه دون حق توست و تو برتر زانی  
به عصیان در رزق بر کس نیست

# درس اول

# مبانی تحلیل متن

## سرتع

در کتاب درسی با مفهوم «متن» و شیوه‌های بررسی متون ادبی از سه دیدگاه زبان، ادبیات و فکر آشنا شدی و یاد گرفتی که در بررسی و تحلیل متن‌ها باید پنج مرحله را مورد توجه قرار دهی؛ ابتدا «خوانش»، سپس «شناسایی و استخراج نکات زبانی»، بعد «شناسایی و استخراج نکات ادبی» و پس از آن «شناسایی و استخراج نکات فکری» و در پایان «نتیجه‌گیری و تعیین نوع». شیوه تحلیل دو متن را هم بررسی کردی. اولی بخشی از «الهی‌نامه عطار» به عنوان نمونه شعر و دیگری بخشی از «کلیله و دمنه» به عنوان نمونه نثر. ابتدا به خلاصه درس نگاهی بینداز و بعد برو سراغ تست‌ها ...

## تحلیل متون ادبی

آثار ادبی را از دیدگاه‌های مختلفی می‌شود تحلیل و بررسی کرده دیدگاه‌هایی از قبیل نگاه «جامعه‌شناختی، زبانی، اخلاقی، محیطی، فکری، تاریخی، روان‌شناختی و ادبی». یکی از بهترین روش‌های تحلیل، بررسی متن (اعم از شعر یا نثر) از سه دیدگاه زبان (ویژگی‌های زبانی)، ادبیات (ویژگی‌های ادبی) و فکر (ویژگی‌های فکری) است. به هر کدام از زمینه‌های تحلیل متن، اصطلاحاً یک «قلمرو» گفته می‌شود؛ بنابراین، تحلیل متن شامل سه قلمروی «زبانی، ادبی و فکری» است. ابتدا نگاهی می‌اندازیم به موضوعات این سه قلمرو و بعد می‌رویم سراغ مراحل تحلیل متن.

۱ **قلمروی زبانی:** ویژگی‌های زبانی یک اثر ادبی ممکن است با اثر ادبی دیگر، متفاوت باشد. گاهی، اثر، دارای زبانی «ساده و همه‌فهم» است، اما گاهی فهمیدن زبان اثر به خاطر وجود بعضی کلمه‌ها و اصطلاحات خاص، به دقت بیشتری نیاز دارد. بررسی زبانی آثار را می‌شود از دو دیدگاه و اصطلاحاً در دو «سطح» انجام داد: سطح واژگانی و سطح دستوری (نحوی).

۲ **قلمروی ادبی:** بررسی ادبی آثار را می‌شود در سه «سطح» انجام داد: سطح آوایی (موسیقایی)، بیانی، بدیع معنوی

۳ **قلمروی فکری:** بررسی متن از نظر ویژگی‌های فکری، روحیات، باورها، گرایش‌ها، نوع نگرش به جهان و جنبه‌های فکری دیگر، با هدف تعیین «رنگ و بوی فکری» و «حال و هوای مفهومی» غالب بر متن.

## ۲ مراحل تحلیل متون ادبی

برای تحلیل و بررسی متن ادبی، باید پنج موضوع یا مرحله را به ترتیب مورد توجه قرار دهیم:

- ۱- خوانش
  - ۲- استخراج نکات زبانی
  - ۳- استخراج نکات ادبی
  - ۴- استخراج نکات فکری
  - ۵- تعیین نوع
- در ادامه یک نمونه شعر و یک نمونه نثر را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا راهگشای شیوه کارمان در درس‌های آینده باشد.

## الف) تحلیل و بررسی نثر و شعر

در این بخش شعری از عطار نیشابوری را با هم می‌خوانیم و در پنج مرحله «کالبدشکافی» می‌کنیم.

### ۱ خوانش شعر

ابتدا به خواندن و درک معنی تحت‌اللفظی ابیات می‌پردازیم در ضمن باید توجه داشته باشیم که لحن این شعر «روایی - داستانی» است.

معنی و بازنویسی	متن
رواهی وقت سپیده‌دم در دام گرفتار شد / و با حيله گری فکر کرد تا راه [قرار] ی پیدا کند.	به دام افتاد روباه‌ی سحرگاه به روبه‌بازی اندیشید در راه
[با خودش گفت] اگر شکارچی مرا در چنین وضعی ببیند / فوراً [مرا می‌کشد] و [پوستم را] می‌کند و [دهد]	که گر صیاد ببیند هم‌چنینم دهد حالی به گازر پوستینم

پس آن‌گه، مُرده کرد او خویشان را ز بیم جان، قروافکنند تن را	به این دلیل همان موقع، خودش را به فردن زد / و از ترس کشته شدن، خودش را روی زمین انداخت.
چو صیاد آمد، او را مرده پنداشت نمی‌یارسست رویه را کم انگاشت	وقتی شکارچی [به سراغ او] آمد، تصوّر کرد او مُرده است / [با این حال] نمی‌توانست [از رویه صرف نظر کند و] رویه را بی‌ارزش بداند.
ز بُن بُترید حالی گوش او لیک که گوش او به کار آید مرا نیک	فوراً گوش او را از بیخ برید / [و با خود گفت] که خیلی به دردم خواهد خورد.
به دل، رویه گفت: ترک غم گیر چو زنده ماندی، یک گوش، کم گیر	رویه با خودش گفت: غصّه نخور! همین که زنده ماندی [کافی است] فرض کن یک گوش نداشته‌ای!
یکی دیگر بیامد، گفت: این دم زبان او به کار آید مرا هم	فرد دیگری رسید و گفت: حالا / زبانش هم به درد من می‌خورد.
زبانش را بُرید آن مرد، ناگاه نکرد از بیم جان، یک ناله رویه	آن مرد یک‌دفعه زبان رویه را برید. / [آقا] رویه از ترس جاننش، حتّی ناله‌ای هم نکرد! (یک «آخ» هم نگفت!)
دگر کس گفت: ما را از همه چیز به کار آید همی دندان او نیز	شخص دیگری گفت از بین همه اعضای رویه، دندانش هم به درد من می‌خورد.
نزد دم، تا که آهن درفکنند به سختی چند دندانش بکنند	[رویه باز هم] حرفی نزد [و واکنشی نشان نداد] تا این که ابزار آهنی [کشیدن دندان] را [در دهانش] قرار دادند و بازحمت چند تا [از] دندان [هایش] را کشیدند.
به دل، رویه گفت: مگر بمانم نه دندان باش و نه گوش و زبانم	رویه با خودش گفت اگر [قرار است] زنده بمانم [زنده ماندنم وابسته به واکنش نشان ندادن است] / [بگذار] دندان و گوش و زبان نداشته باشم!
دگر کس آمد و گفت: اختیار است دل رویه، که رنجی را به کار است	فرد دیگری آمد و گفت: من [از بین همه اعضایش] دل رویه را می‌خواهم که [مطمئنآ یک روز] در درد و مریضی به کار [م] می‌آید.
چو نام دل شنید از دور، رویه جهان بر چشم او شد تیره، آن‌گاه	همین که رویه، از آن فاصله، نام «دل» را شنید [فهمید که قصد برداشتن دل او را دارند] / در آن لحظه، دنیا پیش چشمش تیره و تار شد.
به دل می‌گفت: با دل نیست بازی کنون باید به کارم حیل ساز	به خودش گفت [از دست دادن] «دل» را نمی‌توان موضوع ساده‌ای در نظر گرفت [شوخی بردار نیست]. / حالا [دیگر] باید چاره‌ای برای خودم پیدا کنم.
بگفت این و به صد دستان و تزویر بجست از دام، هم چون از کمان، تیر	این را [با خود] گفت و با مکر و حیل بسیار / مانند تیری [که] از کمان [رها شده باشد]، از دام بیرون پرید.
حدیث دل، حدیثی بس شگفت است که در عالم، حدیثش درگرفته است	قضیة «دل» موضوعی بسیار حیرت‌آور است. / و به همین دلیل، آوازه [آرزومندی] دل، در جهان، پیچیده است.

## ۲ شناسایی و استخراج نکات زبانی

### سطح واژگانی و سطح دستوری (نحوی)

<ul style="list-style-type: none"> <li>■ کم بودن واژه‌های غیرفارسی (در شعر، تنها ۷ واژه عربی به کار رفته، که همان‌ها هم، از واژه‌های پرکاربرد در زبان فارسی‌اند (یا دست کم در زمان شاعر، پرکاربرد بوده‌اند): صیاد، حال، اختیار، حیل، تزویر، حدیث، عالم</li> <li>■ کاربرد واژه‌های کهن: گازر (دبّاغ)، نمی‌یارسست (نمی‌توانست)، دستان (حیل)، حالی (فوراً)، بس (بسیار)</li> <li>■ کاربرد «چو» در معنی «هنگامی که»: چو صیاد آمد / چو نام دل شنید</li> <li>■ کاربرد «به» در معنی «در»: «در»: کنون باید به کارم حیل ساز</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ کاربرد «به» در معنی «با»: به صد دستان و تزویر بجست از دام</li> <li>■ کاربرد شبکه معنایی با واژه‌ها: حیل، دستان، تزویر، دام / دل، زبان، گوش، دندان</li> <li>■ سادگی و روانی زبان شعر</li> <li>■ سادگی و کوتاهی جمله‌ها: به دام افتاد رویاهی سحرگاه / به رویه بازی اندیشید در راه</li> <li>■ جمله‌جایی اجزای جمله و جهش ضمیر: که گر صیاد بیند هم چنینم / چو نام دل شنید از دور، رویه</li> <li>■ حذف فعل به قرینه: نه دندان باش و نه گوش و زبانم [باش].</li> </ul>
--	--

۱- واژه دوم در واقع «گرفته» است. شاعر با تکیه بر شیوة نوشتاری رایج در زمان خود - که گاهی «ه» را از پایان صفت مفعولی حذف می‌کردند و بن ماضی را به فعل «است» می‌چسباندند، یعنی به صورت «شگفتست و گرفتست» - خود را مجاز به قافیه گرفتن آن دوتا دانسته است.

۲- در بررسی «زبانی»، در هر دو سطح، در تحلیل همه ابیات تا پایان کتاب، هنگام معرفی و ویژگی (مثلاً «حذف فعل به قرینه لفظی») تنها یک تا چند مورد را به عنوان نمونه ذکر می‌کنیم. روشن است که همه نمونه‌ها ممکن است بیش از این‌ها باشد. سعی شده تا جایی که کتاب درسی به چیزی تصریح کرده، آن عبارات را ذکر کنیم و تنها در صورت لزوم قدری لحن بیّن را ساده‌تر کنیم.



<ul style="list-style-type: none"> <li>■ ترکیب‌سازی: رویه‌بازی، حیل‌سازی</li> <li>■ کاربردهای تاریخی دستور: نمی‌یاریست... کم انگاشت، به کار آید همی، مرده کرد</li> <li>■ به کار بردن فعل پیشوندی: فرفراکنندن، درفکنندن</li> <li>■ استفاده از «بد» در ابتدای فعل ماضی ساده: ز بُن ببرید حالی گوش او</li> <li>■ به کار بردن «الف» در پایان فعلی «گفتا»: به دل، رویاه گفته گر بمانم</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ به کار بردن صفت مبهم «دگر» در جایگاه وابسته پیشین: دگر کس گفت / دگر کس آمد</li> <li>■ به کار بردن «نیک» در معنی قیدی: که گوش او به کار آید مرا نیک</li> <li>■ به کار بردن «را» در معنی حرف اضافه: زبان او به کار آید مرا / گوش او به کار آید مرا</li> </ul>
---	--

### ۳ شناسایی و استخراج نکات ادبی

#### الف) سطح آوایی (موسیقایی)

<ul style="list-style-type: none"> <li>■ قالب شعری: مثنوی (به دلیل قرار گرفتن قافیه در پایان هر دو مصراع از یک بیت)</li> <li>■ وزن: مفاعیلن مفاعیلن فعولن (U - U / - - - U / - - - U)</li> <li>■ قافیه‌ها: سحرگاه و راه / هم‌چنینم و پوستینم / خوشتن و تن / پنداشت و انگاشت / لیک و نیک / غم و کم / دم و هم / ناگاه و رویاه / چیز و نیز / درفکنندن و بکنند / اختیار و کار / رویاه و آن‌گاه / بازی و حیل‌سازی / تزویر و</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ تیر / شگفت و گرفت</li> <li>■ ردیف: در بیت‌های ۳ (را)، ۶ (گیر)، ۱۲ (است) و ۱۶ (است)</li> <li>■ جناس: لیک، نیک (بیت ۵) / غم، کم (بیت ۶) / چیز، نیز (بیت ۹)</li> <li>■ واج‌آرایی: تکرار صامت «ه» (بیت ۱)</li> <li>■ تکرار: گوش (بیت ۵)، دل (بیت ۱۴)، حدیث (بیت ۱۶)</li> </ul>
---	---

#### ب) سطح بیانی

<ul style="list-style-type: none"> <li>■ تشبیه: جستن رویاه از دام به جستن تیر از کمان (بیت ۱۵)</li> <li>■ استعاره: جان‌بخشی به رویاه تشخیص و استعاره است.</li> <li>■ مجاز: آهن مجاز از ابزار آهنی (بیت ۱۰) / عالم مجاز از موجودات عالم (بیت ۱۶)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ کنایه: ترک غم گرفتن (بیت ۶)، دم زدن (بیت ۱۰)، جهان بر چشم، تیره شدن (بیت ۱۳)</li> </ul>
--	--

#### ج) سطح بدیع معنوی

<ul style="list-style-type: none"> <li>■ مراعات نظیر (شبکه معنایی): دل، گوش (بیت ۶) / دل، دندان، گوش، زبان (بیت ۱۱) / دل، چشم (بیت ۱۳) / کمان، تیر (بیت ۱۵) / دستان، تزویر (بیت ۱۵)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ تضاد: جان، تن (بیت ۳)</li> </ul>
--	---

### ۳ شناسایی و استخراج نکات فکری

با مقایسه کردن اعضای بدن (گوش، زبان و دندان) با «دل» و برتر دانستن دل از همه اعضا، به این نکته پی‌می‌بریم که شاعر «دل» را جایگاهی بسیار باارزش می‌داند. آن‌جا که می‌گوید: «با دل نیست بازی» و در بیت پایانی، نتیجه‌ای عرفانی می‌گیرد. شعر، با وجود ظاهر ساده و داستان، پایان‌بندی و نتیجه‌گیری‌اش، طوری‌ست که نشان می‌دهد شاعر با ظرافت تمام، یک نکته عمیق «معرفتی<sup>۱</sup>» درباره ارزش و جایگاه دل را در قالب داستان «رویه و شکارچی» گنجانده تا بگوید ارزشمندی دل، به این دلیل است که دل، جایگاه خداوند است. روی هم، شعر، ظاهری «ساده، محسوس و عینی» دارد، اما نتیجه‌گیری پایانی، «ذهنی و معنوی» است.

#### ۱ نتیجه‌گیری و تعیین نوع<sup>۲</sup>

با توجه به این که مضمون شعر، «تعلیم» دادن یک موضوع مهم، مربوط به فضای «حکمت» و «معرفت» (عرفان) است، این شعر را می‌توانیم در دسته ادبیات «تعلیمی - عرفانی» جا بدهیم.

#### ۲ تحلیل و بررسی نمونه‌تر

در این‌جا هم مانند تحلیل شعر با ۵ مرحله «خوانش» استخراج نکات زبانی، استخراج نکات ادبی، استخراج نکات فکری و تعیین نوع<sup>۳</sup> رویه‌رویم که در ادامه با بررسی نمونه‌ای از کتاب کلیله و دمنه به آن خواهیم پرداخت.

#### ۱ خوانش متن

ابتدا برای کشف لحن و آهنگ، یک نگاه کلی به متن می‌اندازیم و بعد از شناسایی لحن مناسب با حال و هوای اثر، متن را «دقیق» می‌خوانیم. این متن، لحنی روایی - داستانی دارد و مناسب است هنگام خواندن آن، لحنی صمیمانه با آهنگی نرم و ملایم را برای پندآموزی و تحت تأثیر قرار دادن مخاطب انتخاب کنیم.

۱- این اصطلاح را کاتب استفاده کرده منظور «عرفانی» است.

۲- قدیمی‌ترین طبقه‌بندی انواع ادبی مربوط به یونان باستان است. آن‌ها اشعار را برحسب محتوا در چهار نوع «حماسی»، «غزایی»، «نمایشی» و «تعلیمی» طبقه‌بندی می‌کردند.

معنی و بازیسی	متن
وقتی دانستم که انسان ارزشمندترین آفریده‌هاست و [با این حال] ارزش روزهای زندگی‌اش را نمی‌داند، متعجب شدم و خوب که دقت کردم فهمیدم که مانع این [قدرشناسی]، [بسنده کردن به] آسایش کم و [برآورده کردن] نیازهای بی‌ارزش است که انسان‌ها گرفتار آن شده‌اند.	چون بشناختم که آدمی، شریف‌تر خلیق است و قدر ایام عمر خویش نمی‌داند، در شگفت افتادم و چون نیک بنگریستم؛ دریافتم که مانع آن، راحت اندک و نیاز حقیر است که مردمان بدان، مبتلا گشته‌اند.
هر کس به مشغله‌های دنیوی سرگرم شود و از [فراهم کردن زمینه‌های] نیک‌بختی [اش] در جهان آخرت غافل بماند، [شرایطش] مانند [قضیه] آن کسی است که [داشت] از معرض [حمله] شتر مست فرار می‌کرد و ناچار، خود را در چاهی آویزان کرد و دو عدد شاخه‌ای را که بالای آن روییده بود، گرفت و پاهایش در محلی ثابت شد.	هر که به امور دنیایی رو آورد و از سعادت آخرت خود غفلت کند، هم‌چون آن مرد است که از بیش‌اُستر مست بگریخت و به ضرورت، خویشتن در چاهی آویخت و دست در دو شاخ زده که بر بالای آن روییده بود و پاهایش بر جایی قرار گرفت.
در این شرایط، دقیق‌تر نگاه کرد و [متوجه شد] که هر دو پای او روی سر چهار مار قرار دارند که سر خود را از سوراخ [های دیواره چاه] بیرون آورده بودند. [سپس] به ته چاه نگاه کرد. مار بزرگ ترسناکی را مشاهده کرد که دهانش را باز کرده و منتظر افتادن او بود.	در این میان، بهتر بنگریستم. هر دو پای، بر سر چهار مار بود که سر از سوراخ، بیرون گناشته بودند. نظر بر قعر چاه افکندم. ازدهایی سهمناک دیدم، دهان گشاده، و افتادن او را انتظار می‌کرد.
[بعد] به بالای چاه نگاه کرد [و متوجه شد] که موش‌های سیاه و سفید، پی‌درپی ریشه آن شاخه‌ها را قطع می‌کردند و او در این میان چاره‌جویی می‌کرد و برای رهایی خودش به دنبال راهی می‌گشت.	به سر چاه التفات نمود موشان سیاه و سفید، بیخ آن شاخ‌ها دایم می‌بریدند و او در اثنای این، تدبیری می‌اندیشید و خلاص خود را طریقی می‌جست.
[یک‌دفعه] رویه‌روی خود یک کندوی زنبور و مقداری [عسل] دید. قدری از آن عسل چشید طوری شیفته شیرینی آن شد که وضعیتی خودش [در چاه] را فراموش کرد و متوجه نبود که پایش روی سر چهار مار است. در حالی که نمی‌شد حدس زد که چه زمانی واکنش نشان می‌دهند [و نیش می‌زنند] و [از طرفی هم] موش‌ها با جدت بسیار مشغول بریدن شاخه‌ها بودند و ... تا جایی که [سرانجام] شاخه شکست و آن درماتده طمع‌کار در دهان مار بزرگ افتاد.	پیش‌خویش، زنبورخانه‌ای و قدری شهد یافت، چیزی از آن به لب برد، از نوعی در حلاوت آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه‌اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست که کدام وقت در حرکت آیند، و موشان در بریدن شاخ‌ها، جدّ بلیغ می‌نمایند و ... چندان که شاخ بگسست و آن بیچاره حریص در دهان ازدها افتاد.
[با این مثال در حقیقت] من جهان را به آن چاه پرخطر تشبیه کردم [م]م و موش‌های سفید و سیاه و پی‌گیری آنان در قطع کردن شاخه‌ها را به شب و روز [مانند کرده‌ام] و آن چهار مار را به سرشته‌های چهارگانه تشبیه کرده‌ام که ستون آفرینش انسان است و هر وقت یکی از آن‌ها بچنبد [و بر سایر طبع‌ها غلبه پیدا کند]، مانند زهر کشنده است؛	پس، من دنیا را بدان چاه پُرآفت، مانند کردم و موشان سفید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخ‌ها، بر شب و روز؛ و آن چهار مار را به طبایع که عماد خلقت آدمی است و هر گاه که یکی از آن در حرکت آید، زهر قاتل باشد.
و چشیدن شهد و شیرینی‌اش را بالذات‌های دنیایی مشابه دانستم که سودش کم و زیانش بسیار است و [با غلال کردن انسان از واقعیت‌ها] رهایی را برای انسان غیرممکن می‌کند و منظورم از ازدها [هم، مرگ] و بازگشتی است که در ازای آن هیچ تدبیری نمی‌شود به کار بست و به یقین باید به آن تن داد و آن وقت [دیگر] پشیمانی فایده‌ای ندارد و امکان برگشتن [به دنیا و جبران] فراهم نیست.	و چشیدن شهد و شیرینی آن را مانند کردم به لذات این جهانی که فایده آن، اندک و رنج آن، بسیار است، و راه نجات بر آدمی، بسته می‌گرداند، و ازدها را مانند کردم به مرجعی که از آن، چاره نتواند بود؛ هر آینه بدو باید پیوست و آنگاه ندامت، سود ندارد و راه بازگشتن مهیا نیست.

## ۲ شناسایی و استخراج نکات زبانی

### سطح واژگانی و دستوری (نحوی)

■ کاربرد فعل «نگسستن» در معنی «بریده شدن، شکستن»	■ کاربرد واژه «قاتل» در معنی «کشنده» برای غیر انسان
■ کاربرد فعل «بسه» در ابتدای فعل ماضی: بگسست، بنگریست	■ کاربرد واژه «شهد» در معنی «عسل»
■ کاربرد مصدر مرخّم: نتوان دانست، نتواند بود	■ بیشتر جمله‌ها کوتاه و قابل فهم هستند.
■ حذف فعل به قرینه: پس، من دنیا را بدان چاه پُرآفت، مانند کردم و موشان سفید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخ‌ها بر شب و روز [مانند کردم] و آن چهار مار را به طبایع [مانند کردم].	■ جمع بستن واژه «موش» با نشانه جمع «ان»
■ کاربرد «را» به معنی «برای»: خلاص خود را طریقی می‌جست.	■ کاربرد واژه مرکب «زنبور خفه» به معنی «کندوی زنبور»
	■ به کاربرد صفت برتر (تفضیلی) در معنی صفت برترین (عالی): شریف‌ترین خلیق
	■ کاربرد واژه «نیک» در جایگاه قیدی: چون نیک بنگریستم (نیک: بسیار)

۱- منظور از «ناگنر»، این‌جا کاربرد «گسستن» در معنایی است که نیازی به مفعول نداشته باشد؛ گسته شدن، فعل «گسستن» در معنایی که مفعول لازم دارد - و اصطلاحاً به آن «گنرا» گفته می‌شود - به معنی «بریدن و پاره کردن و شکایدن» است. کتاب درسی متأسفانه با حذف این‌طور مطالب اساسی و مهم، پایه‌های دستور زبان و درک نقش واژه‌ها را به طور کلی نابود کرده است.

## ۳ شناسایی و استخراج نکات ادبی

## الف) سطح آوایی (موسیقایی)

■ سجع: هرکه به امور دنیایی رو آورد، و از سعادت آخرت خود غفلت کند، هم چون آن مرد است که از پیش آستر مست بگریخت و به ضرورت، خویشتن در چاهی آویخت. / هرگاه که یکی از آن در حرکت آید، زهر قاتل باشد.

## ب) سطح بیانی

## ج) سطح بدیع معنوی

- مراعات نظیر: زنبور خانه، شهید، حلاوت
- تضاد: سیاه و سفید / پا و سر / سر و قعر / زهر و شیرینی / زهر و شهد / رنج و لذت / اندک و بسیار
- تمثیل: استفاده از امکانی مثال آوردن برای بیان مفهوم غفلت

## ۳ شناسایی و استخراج نکات فکری

نگاه حکایت، تعلیمی ست. نویسنده برای بیان منظور خود (صرف کردن عمر در راه سعادت در جهان آخرت) به این موارد اشاره می‌کند:

- ارزشمندتر بودن انسان در میان همهٔ آفریده‌ها، گران‌بها بودن لحظات عمر، توصیه به هشیاری و پرهیز از خوشی‌های زودگذر
- این حکایت از یک طرف به ارزش حقیقی انسان اشاره دارد و از طرف دیگر نسبت به لذت‌های زودگذر، نگاه منفی دارد.

## ۴ نتیجه‌گیری و تعیین نوع

متن خواننده را دعوت می‌کند به این‌که:

نسبت به جایگاه انسان، نگاه خوش‌بینانه و والایی داشته باشد؛ قدر لحظه‌لحظهٔ عمر خویش را بداند؛ هشیاری خویش را حفظ کند و آن قدر سرگرم خوشی‌های دنیایی نشود که از هدف والای زندگی غافل بماند؛ و این‌که: خوش‌بختی حقیقی در کسب خشنودی خداوند است. با توجه به مطالب گفته شده و تأکید «درون‌مایه» این متن، آن را باید نمونه‌ای از متون «تعلیمی» به شمار آورد.

## مفاهیم نمونه‌های مهم درس

مفهوم	نمونه
دعوت به پویایی و تلاش مداوم / توصیه به خطر کردن و نکوهش غایت‌طلبی	به دین ما حرام آمد کرانه همه دریاست ما را آشیانه
توکل موجب کام‌روایی ست.	خاطری فارغ ز عالم چون توکل بایدش
قناعت و خرسندی به داشته‌ها	جبههٔ واکرده‌ای پیوسته چون گل بایدش
توصیه به خاموشی و سنجیده‌گویی	بر زبان، بند گرانی از تأمل بایدش
تقدیرگرایی / صبر کلید کام‌یابی ست.	دانه چون در آسیا افتد تحمل بایدش
خاکساری موجب کمال است. / توصیه به تواضع	از کنار ابر، تا دریا تنزل بایدش
اهمیت «شیوهٔ بیان» سخن و توجه به نوع مخاطب و شرایط و موقعیت	خلیفه گفت: تعبیر از آن بیرون نشد (سخن همان است)؛ اما از عبارت تا عبارت، بسیار فرق است؛ این مرد را صد دینار بدهید.
تربیت‌پذیری / اهمیت گوش‌مالی در تربیت!	بهلول او را ملامت کرد که چرا شرط ادب به‌جا نیوردی؟! او گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته‌اند. گفت: آب و گل تو را نیکو سرشته‌اند، اما لگد کم خورده است!

## پوشش‌های چهارگزینه‌ای

حالا وقتش رسیده بریم سراغ سوالاتی درس. اول چندتا سوال خاص و ظریف درباره شکل درست خواندن!

۶ نوع «خوانش» هنگام پایان یافتن مصراع اول، در کدام گزینه متفاوت است؟

- |   |   |
|---|---|
| <p>۱) در شهر اگر تو شاهد شیرین گذر کنی<br/>۲) بیاکه ساقی ما مجلس خوشی آراست<br/>۳) وقت ما را میر ای خواجه به بیهوده سخن<br/>۴) بودم ز مهرش ذره‌ای بودم ز بحرش قطره‌ای</p> | <p>۱) در شهر اگر تو شاهد شیرین گذر کنی<br/>۲) بیاکه ساقی ما مجلس خوشی آراست<br/>۳) وقت ما را میر ای خواجه به بیهوده سخن<br/>۴) بودم ز مهرش ذره‌ای بودم ز بحرش قطره‌ای</p> |
|---|---|
- ۷ از میان ابیات زیر، چند بیت را باید به گونه‌ای خواند که نشان بدهد سخن شاعر، در مصراع نخست تمام نشده است؟
- |  |  |
|--|--|
| <p>الف) به دام افتاد روباه‌ی سحرگاه<br/>ب) زبانش را بُرید آن مرد ناگاه<br/>ج) به دل، روباه گفتاگر بهاتم<br/>د) چو نام دل شنید از دور روباه<br/>ه) به دل می‌گفت با دل نیست بازی<br/>و) بگفت این و به صد دستان و تزویر</p> | <p>الف) به دام افتاد روباه‌ی سحرگاه<br/>ب) زبانش را بُرید آن مرد ناگاه<br/>ج) به دل، روباه گفتاگر بهاتم<br/>د) چو نام دل شنید از دور روباه<br/>ه) به دل می‌گفت با دل نیست بازی<br/>و) بگفت این و به صد دستان و تزویر</p> |
|--|--|

و انتخاب لحن ...

۸ لحن شاعر در کدام رباعی متفاوت است؟

- |   |   |
|---|---|
| <p>۱) یارب مکن از لطف پریشان ما را<br/>ذات تو غنی بوده و ما محتاجیم<br/>۲) از هر چه نه از بهر تو کردم توبه<br/>و آن نیز که بعد از این برای تو کنم<br/>۳) ای دل که ز مدرسه به دیر افتادی<br/>الحمد که کار را رساندی تو به جای<br/>۴) یارب یارب کریمی و غفاری<br/>خواهم که به رحمت خداوندی خویش</p> | <p>۱) یارب مکن از لطف پریشان ما را<br/>ذات تو غنی بوده و ما محتاجیم<br/>۲) از هر چه نه از بهر تو کردم توبه<br/>و آن نیز که بعد از این برای تو کنم<br/>۳) ای دل که ز مدرسه به دیر افتادی<br/>الحمد که کار را رساندی تو به جای<br/>۴) یارب یارب کریمی و غفاری<br/>خواهم که به رحمت خداوندی خویش</p> |
|---|---|

کم کم میریم سراغ نکات زبانی

۹ در کدام گزینه «یارست» متفاوت است؟

- |  |  |
|--|--|
| <p>۱) ما زبان اندر کشیدیم از حدیث خلق و روی<br/>۲) که گویند از ایران سواری نبود<br/>۳) تو را یارست بس در جان ز بهر آن که نشناسد<br/>۴) دلم خانۀ مهر یارست و بس</p> | <p>۱) ما زبان اندر کشیدیم از حدیث خلق و روی<br/>۲) که گویند از ایران سواری نبود<br/>۳) تو را یارست بس در جان ز بهر آن که نشناسد<br/>۴) دلم خانۀ مهر یارست و بس</p> |
|--|--|

۱۰ وجود بعضی از واژگان، در همه ابیات، یادآور نقد شعر عطار در کتاب درسی است؛ به جز:

- |  |  |
|--|--|
| <p>۱) تو پاک باش و مدار ای برادر از کس پاک<br/>۲) چه خوش گفتم آن تهی دست سلحشور<br/>۳) بیاموزم این کودکان را همی<br/>۴) دو سوراخ چون روبه حیلہ ساز</p> | <p>۱) تو پاک باش و مدار ای برادر از کس پاک<br/>۲) چه خوش گفتم آن تهی دست سلحشور<br/>۳) بیاموزم این کودکان را همی<br/>۴) دو سوراخ چون روبه حیلہ ساز</p> |
|--|--|

(اختصاصی اسانی نوین، اول ۱۴۰۲)

۱- در این سوال، عمداً و به طور هدفمند، برخلاف شیوه نوشتاری رایج خودمان، نوشتار کتاب درسی و کتک‌ور را که اساساً هیچ شیوه درست یا دست کم یکسانی در کار خودشان ندارند، مورد نظر قرار دادیم؛ مثلاً گداورنده کتاب درسی و یا طراح کتک‌ور، عبارت «یارست» (به معنی «یار است») را به همین صورت، از روی دیوان شعر یا فایل و نرم‌افزار، رونویسی می‌کند؛ در حالی که در کتاب حاضر و همه یادداشت‌های به قلم نویسندگان این کتاب، چنین چیزی مطابق با نوشتار درست در فارسی امروز، به صورت «یار است» نوشته می‌شود. هدف از طرح این سوال، این است که بگوییم رسم الخط نادرست کتاب درسی و کتک‌ور، خودش از عوامل ایجاد شباهت‌های «غلط‌انداز» - از جمله بین یارست (یار است) و یارست (از مصدر «یارستن») - می‌شود. به این موضوع توجه کن!

این‌جا، سوالاتی مهمی اومدن درباره کاربرد و محتبای مختلف کلمه‌ها توی شرایط مختلف. بین:

### ۱۱ در کدام گزینه کاربرد واژه «قاتل» متفاوت است؟

- ۱) سهیل بود آن که به شمشیر عتابم می‌کشت
- ۲) به خونم گمر بیالاید دو دست نازنین شاید
- ۳) زهر نزدیک خردمندان اگرچه قاتل است
- ۴) مرا به عاشقی و دوست را به معشوقی

قتل صاحب‌نظر آن است که قاتل برود  
نه قتلم خوش همی‌آید که دست و پنجه قاتل  
چون ز دست دوست می‌گیری شفای عاجل است  
چه نسبت است؟ بگویند: قاتل و مقتول

### ۱۲ معنی فعل «گسستن» در کدام گزینه با عبارت «چندان که شاخ بگسست و آن بیچاره حریص در دهان اژدها افتاد.» یکسان است؟

- ۱) حریص سبز به تن بود، پیش از این من را
- ۲) چرا رشته هستی‌ام را گسست
- ۳) تا صبا شیرازه زلفش ز یک‌دیگر گسست
- ۴) تو را کسره آرزوی وصل، خرسند

چه شد که جامه گسست و سیاه شد بیکر  
چرا ساقبام را ز گلبین شکست  
دفتر دل‌ها پریشان است گویی نیست هست  
مرا هجران گسست از هم، رگ و بند

### ۱۳ کاربرد فعل «گسستن» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) گریه خونین من، رشته گوه‌گر گسست
- ۲) کارم بیست چون کسه نیگشایی
- ۳) رحمت بر آب دیده که چندان که راندمش
- ۴) قفس تنگ چرخ و طبع و حواس

خنده شیرین تو، حقه مرجان شکست  
جانم گسست چون که نیبوندی  
دستم ز آستین و ز دامن، نمی‌گسست  
پرز و بالست گسست از بن و بار

### ۱۴ در همه گزینه‌ها «کاربردهای کهن واژگانی» دیده می‌شود که امروزه به گونه‌ای دیگر به کار می‌روند. به جز .....

- ۱) هر آن سیمای که نقاش آن نگارد
- ۲) به پالیز چون بکشد سرو شاخ
- ۳) زرگر ز من ستاند و بر او خیره بنگریست
- ۴) آن نهال سربلند و استوار

نشان دارد ولیکن جان ندارد  
سرو شاخ سبزش برآید ز کاخ  
وان‌که به خنده گفت که این سنگ‌ریزه چیست؟  
مسلم صحرایمی اشترسوار

### ۱۵ در کدام گزینه «را» در معنی حرف اضافه به کار نرفته است؟

- ۱) عشق را گفت پادشایی کن
- ۲) دیدن روی تو را دیده‌ام جان‌بین باید
- ۳) گر نباشد امید دیدن تو
- ۴) رعیت را و لشکر را درم داد

طبع را گفت کدخدایی کن  
وین کجا مرتبه چشم جهان‌بین من است  
دیده خویش را ز سر بکنم  
بسی سالار را کوس و غلم داد

### ۱۶ در کدام گزینه نوع «را» تفاوت دارد؟

- ۱) باید ز سر این غرور را رانندن
- ۲) مگر کان چراغ آشنایی دهد
- ۳) به سیندخت فرمود پس نامدار
- ۴) جان را سیر تیر قضا باید کرد

باید ز دل این غبار را رفتن  
من تیره را روشنایی دهد  
که رودابه را خیز پیش من آر  
دل را هدف تیر بلا باید کرد

### ۱۷ کاربرد «را» در عبارت «خلاص خود را طریقی می‌جست.» با کاربرد آن در کدام گزینه یکسان نیست؟

- ۱) چه سود این رنج دیدن چون منی را؟
- ۲) گرچه کس را نمی‌شود حاصل
- ۳) چه سود از جستن و گردن کشیدن
- ۴) نیک‌نامی را چنانی چون زمین را گلستان

که اندوه من این نادان نداند  
لذت شکر از شکر دیدن  
چمن را از شکاف و رخنه دیدن  
پادشاهی را چنانی چون گلستان را بهار

### و کمی متفاوت‌تر

### ۱۸ در متن زیر کدام «ویژگی زبانی» دیده نمی‌شود؟

«اقای پسر هشیار باش و به جوانی غزه مشو، اندر طاعت و معصیت، به هر حال که باشی از خدای عزوجل یاد همی‌کن و آمرزش همی‌خواه و از مرگ همی‌ترس، تا چون درزی ناگاه در کوزه نیفتی، با بارگناهان بسیار.»

- ۱) کاربرد «همی» در ساخت فعل مضارع اخباری
- ۲) مقدم شدن فعل نسبت به بخش‌هایی از جمله
- ۳) کاربرد حرف اضافه کهن «اندر»
- ۴) تضاد میان دو واژه «طاعت و معصیت»

(اختصاصی اساتذی خارج از کشور ۹۹)

۱۹ همه گزیندها بیانگر «ویژگی‌های زبانی» ابیات زیر است، به جز .....

- «آس شدم زیر آسپای زمانه  
زاد همی ساز و شغل خویش همی‌پز  
(۱) کاربرد شبکه معنایی تناسب  
(۲) کاربرد تاریخی دستور و کوتاهی جمله‌ها  
(۳) کمی واژگان غیرفارسی و وجود واژگان کهن

۲۰ با توجه به عبارت «شاهزاده‌ای معلم فرزند خویش را گفت: قبل از کتابت وی را شنا آموز؛ چه کسی را باید که به جایش بنویسد، اما کسی را نباید که به جایش

شنا کند.» خوانش کدام گزینه درست نیست؟

- (۱) شاهزاده‌ای، معلم فرزند خویش را گفت.  
(۲) قبل از کتابت، وی را شنا آموز.  
(۳) چه کسی را باید که به جایش بنویسد؟  
(۴) کسی را نباید که به جایش شنا کند.

چنانچه سؤال هم درباره روابط واژگان

۲۱ در کدام بیت میان واژه‌های مشخص شده رابطه معنایی «تضمن» وجود ندارد؟

- (۱) لعل روید به جای لاله ز خاک  
(۲) ثواب روزه و حج قبول آن کس برد  
(۳) سحر می‌گفت خاکستر صبا را  
(۴) مرد حلوانی نظر کردش به زر

۲۲ واژگان مشخص شده در همه گزیندها رابطه «تضمن» دارند، به جز .....

- (۱) در غم و شادی ایام مرا حال یکی است  
(۲) آن چه زمین نظم در شمار آمد  
(۳) در این سیلاب غم گز ما پدر برد  
(۴) سبزه گشته چون زمرد رنگ تو

حالا به سؤال نکته دارترا!

۲۳ واژگان مشخص شده در کدام گزینه رابطه «تضمن» دارند؟

- (۱) نسیم باد صبا جان من فدای تو باد  
(۲) گل و خار است پایت را در این ره هرچه پیش آید  
(۳) شیرینی و حلاوت شعرم غریب نیست  
(۴) قیوم تو از رنگ و خون بالاتر است

گنج نشو! برای تشخیص روابط واژه‌ها حتماً بیتا رو بخون و معنی‌شون کن! عجب معلومه که «صبا» یا «باد» (فعل دعایی) و «شیرینی» یا «شکر» رابطه تضمن نداره!

۲۴ در میان واژگان کدام گزینه رابطه «تضاد» وجود ندارد؟

- (۱) گر از سلطان طمع کردم خطا بود  
(۲) هر که می‌آمد آفرین می‌گفت  
(۳) شکر در کام من تلخ است بی دینار شیرینش  
(۴) که شنیدی که در این بزم دمی خوش بتشت

خواست به تلفظ «می‌رفت» توی گزینه (۲) بود؟

۲۵ در واژگان کدام بیت رابطه «تضاد» وجود ندارد؟

- (۱) چو هامون دشمنانت پست یادند  
(۲) ای دل به سر مویی آزاد نخواهی شد  
(۳) در عالم امکان دل عارف نگشاید  
(۴) هر درد را که بینی درمان و چاره‌ای هست

- چو گردون دوستان والا همه سال  
مویی شدی اندر غم، هم شاد نخواهی شد  
یوسف چه قدر جلوه کند در ته چاهی؟  
درمان درد «سعدی» با دوست سازگاری

## ۲۶ رابطه درج شده در برابر واژگان مشخص شده در کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) اگرچه ماه به ده دست روی خود شوید
- ۲) چون عمر به سر رسد چه شیرین و چه تلخ
- ۳) جان‌ها چو سیلابی روان تا ساحل دریای جان
- ۴) که در پوستانش همیشه گل است

بازم می‌گیم خواستو جمع کن، بیتارو بخون. گزینه (۱) «زهره» بود، نه «زهره».

حالا نوبت نکات ادبیه. اول از قافیه‌بندی و قالب شعر می‌پرسیم و بعد می‌ریم سراخ آرایه‌ها!

## ۲۷ کدام بیت از شعری در قالب «مثنوی» انتخاب شده است؟

- ۱) دوست نباشد به حقیقت که او
- ۲) اگر کوتاهی پای چوبین میند
- ۳) عاقبتان از بیلا بیرهیزند
- ۴) ای گل خوش‌بوی من یاد کنی بعد از این

## ۲۸ اگر بیت‌های زیر، هر کدام، از میانه یک شعر انتخاب شده باشند، کدام گزینه در قالب شعری «مثنوی» سروده شده است؟

- ۱) عاشقی گس زین سر و گس زان سر است
- ۲) بتما نام‌لمانی ای می‌کنی
- ۳) چه خوش است در فراقی همه عمر صبر کردن
- ۴) ساقی بیا که هاتف غییم به مزده گفت

اون «میانه» رو توی صورت سؤال دیدی؟ نکته‌ش همونه خب! دقت نمی‌کنی، این طوری می‌شه!

حالا نوبت آرایه‌ها س...

## ۲۹ در همه بیت‌ها آرایه «تشبیه» وجود دارد، به جز ...

- ۱) سخن بگویی از آن پسته شکرافشان شو
- ۲) نرگس مست تو خواب‌آلوده‌ست
- ۳) دلم را باغ و بوستان خوش نمی‌آید مگر وقتی
- ۴) دو چشم من همی یاقوت و مروارید از آن بارد

## ۳۰ در همه گزینه‌ها آرایه «تشبیه» وجود دارد، به جز ...

- ۱) روزم شب است بی تو و چون روز روشن است
- ۲) خورشید را به روی تو تشبیه چون کنم
- ۳) بر روی چون مه از چه بتابی گمنند زلف
- ۴) گفتم مگر به خواب تو توان دیدنت ولیک

## ۳۱ کدام گزینه آراسته به آرایه «تشبیه» نیست؟

- ۱) تا بود بر دیگران وصلت حلال
- ۲) مرا چو زندگی از یاد روی چون مه توست
- ۳) دور از رخ تو دم به دم از گوشه چشمم
- ۴) شاخ شمشاد است یا سرو سهی یا نارون

## ۳۲ در کدام گزینه آرایه «تشبیه» بیشتر به کار رفته است؟

- ۱) آرزوی آنش غم بایسدت پروانه‌سان
- ۲) گمانی چون برم چون کس نبرده است
- ۳) ای زلف تو کمندی لبروی تو کمانی
- ۴) از مست وجود خود دمی بیرون ای

- چه زهره دارد کان چهره را غلام بود: تناسب
- بیمانه چو پسر شود چه بغداد و چه بلخ: تضاد
- از آشنایان منقطع با بحر گشته آشنا: ترادف
- به کوه اندرون لاله و سنبل است: تضامن

- دوست فراموش کند در بیلا
- که در چشم طفلان نمایی بلند
- مذهب عاشقان دگر باشد
- «سعدی» بیچاره بود بلبل خوش‌گوی من

- عاقبت ما را بدان سر رهبر است
- که در کافرستان نباشد روا!
- به امید آن که روزی به کف اوفتد وصالی
- با درد صبر کن که دوا بی فرستمت

- که قوت طوطی روحم کلام توست ای دوست!
- لسب لعنل تـو شراب‌آلوده‌ست
- که جامی در میان آرند و سروی در کنار آید
- که چون یاقوت لب داری و مرواریدندانی

- کان لحظه شب بود که نهان باشد آفتاب
- کاو هم‌چو بندگان دهدت بوسه بر جناب
- بازی به هیچ روی ز من روی بر متاب
- دانم که خواب را نتوان دید جز به خواب

- بر من آسایش حرام است، ای صنم
- همیشه سجده‌گهم آستان خرگه توست
- سیلاب برشک آمد و طوفان بلا رفت
- یا صنوبر یا بالای خلق یا بالای دوست؟

- هم‌چو شمع بزم ما شب تا سحر بیدار باش
- نشانی چون دهم چون بی‌نشان است
- وی قامت تو سروی وی روی تو بهاری
- تا راه بری به کیمیایی که می‌رس

هرجا «چون» دیدی نگو تشبیه داریم! به معنی «چون» توجه کن ... حالا بریم سراغ آرایه‌های تشخیص و کنایه:

**۳۳** در همه‌گزینه‌ها آرایه «تشخیص» به کار رفته است. به جز .....

- ۱) اگر به دست من افتد فراق را بکشم
- ۲) ای صبا! یاری نما، اشک نیاز من ببین
- ۳) ای نوگل خندان چرا خون در دل ما می‌کنی!
- ۴) کس چو «حافظ» نگشود از رخ اندیشه نقاب

**۳۴** در کدام گزینه «تشخیص» به کار نرفته است؟

- ۱) بر گریه من ساغر می‌گرم بگیرد
- ۲) حلاوت سخنش کام را کند شیرین
- ۳) خیز چون پرده ز رخسار گل افکند صبا
- ۴) مه ز شرم جمال او هر ماه

**۳۵** در کدام گزینه آرایه «تشخیص» به کار نرفته است؟

- ۱) می‌کند گل، حسن شوخ از پرده شرم و حیا
- ۲) ای ردا از دوش من بردار دست التفات
- ۳) عشق حیران، خود چه می‌داند عتاب و لطف چیست؟
- ۴) بر فقیران مرگ آسان‌تر بود از اغنیا

**۳۶** در کدام گزینه، آرایه «کنایه» وجود ندارد؟

- ۱) عاقلان خوشه چین از سر لیلی غافل‌اند
- ۲) هرگز نقش تو از لوح دل و جان نرود
- ۳) منافق‌اند و ریایی جمیع اهل بشر
- ۴) تار و پود هستی‌ام بر یاد رفت، اما نرفت

**۳۷** در همه‌گزینه‌ها آرایه «کنایه» به کار رفته است. به جز .....

- ۱) دست هجر تو دهانم را دوخت
- ۲) زان دست شستم از خود تا دست من توگیری
- ۳) گسر صورت خویش‌تن ببینی
- ۴) بوی زلفت پنا فشرد و دل ز دست من گرفت

نوبت رسید به آرایه‌هایی مثل مراعات و تضاد و ایهام:

**۳۸** در کدام گزینه، آرایه «مراعات‌نظیر» وجود ندارد؟

- ۱) بتان چین و ترک و روم و بربر
- ۲) به دست و پای ملادر اندرافساد
- ۳) هر آن گاهی که بر درگاه باشم
- ۴) مرا رخسار او ماه است و خورشید

**۳۹** آرایه «مراعات‌نظیر» در کدام گزینه بیشتر به چشم می‌آید؟

- ۱) جراحت‌ها بی دارم من از مژگان فتانش
- ۲) هوای آن دو زلف عنبرین و چشم خمارش
- ۳) بر او جان عرضه کردن نیست آلا عین درویشی
- ۴) خدایا چون تو دانی کاو ستم بر خلق نیستند

**۴۰** در همه‌گزینه‌ها آرایه «تضاد» به کار رفته است. به جز .....

- ۱) اتمید وصال آنگر نبودی
- ۲) به سر رسید شب و داستان به سر رسید
- ۳) مگر به روشنی این چراغ ربانی
- ۴) چون ظلمت و نور عکس زلف و رخ توست

که روز هجر سیه باد و خان و مان فراق  
رنجه شو، بنگر که یار نازنین من کجاست  
خاری به خود می‌بندی و ما را ز سر و می‌کنی  
تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

وز زاری من چنگ سحر زار بنالسد  
عبارتی ز لبش هرگه در بیان آرد  
روی گل بین که نشان گل رویی دارد  
در حجاب عدم نهان گردد

نیغ‌بازی‌هاست در ابر بهاران برق را  
کرده‌ام وقف سبوی می‌پرستان دوش را  
می‌خورد چون آب شیرین ریگ آب تلخ را  
راحت افزون است در کندن، قبای تنگ را

این کرامت نیست جز مجنون خرمن‌سوز را  
هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود  
بیا به صحبت یاران بی ریا و نفاق  
عاشقی‌ها از دلیم، دیوانگی‌ها از سرم

تا نگویم که مکن پرده‌داری  
زان چون خیال گشتم تا در دلیم گذاری  
حیران و چوود خود بملاسی  
جای یادت را ز کف دادم، بین احوال چیست

بنفشه زلف و گل‌روی و سمن‌بر  
هزاران بوسه بر دستش همی‌داد  
ز بیمش گویی اندر چاه باشم  
مرا دیدار او کام است و اتمید

طبیبا مرهم از وصلش بنه دیگر می‌آزارش  
اشارت‌های ابرو و نزاکت‌های گفتارش  
چو می‌بینم که جان با خاک یکسان شد به بازارش  
مسلم داری از دوران گردون ستم‌کارش

سیلاب غمت مرا ربودی  
مگر فسانه زلف دراز می‌گویی  
به پیشگاه حقیقت رسم ز راه مجاز  
کفر دو جهان همیشه ایمان من است



## ۴۱ در همه ابیات زیر آرایه «ایهام» وجود دارد، به جز .....

هم به سوی تو زنده گمردم باز  
خرابیم می‌کنند هر دم فریب چشم جادویت  
گفتا غلطی خواجه در این عهد وفا نیست  
شریت بیماری فرهاد را شیرین کنی

۱) گمردم به سوی تو جان برافشانم  
۲) مدامم مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت  
۳) دی می‌شد و گفتیم صنما! عهد به جای آر  
۴) درد عاشق را دوايي بهتر از معشوق نیست

## از این‌جا به بعد آرایه‌های لفظی

## ۴۲ در کدام گزینه، آرایه «تکرار» (واژه آرایه) به کار نرفته است؟

تا کسی هم‌چو تو باشد که در او خیره بمانی  
چرخ مه و خورشیدی باغ گل و سحرینی  
هزار سال برآید همان نخستینی  
کز آفتاب روی به دیوار می‌کنی

۱) تو ندانی که چرا در تو کسی خیره بماند  
۲) خورشید و گلست خوانم هم ترک ادب باشد  
۳) میان ما و شما عهد در ازل رفته است  
۴) از روی دوست تا نکسی رو به آفتاب

## ۴۳ در کدام گزینه، آرایه «تکرار» (واژه آرایه) وجود ندارد؟

نسبت قد تو با سرو روان نتوان کرد  
که عاقبت برود هر که او ز مادر زاد  
بوستان را گل صبرگ به بار آوردند  
کز دست تو گر زهر بود نوش توان کرد

۱) راستی گرچه به بالای تو می‌ماند سرو  
۲) بیا و برگ سفر ساز و زاد ره برگیر  
۳) دوستان را ز غم دوست امان بخشیدند  
۴) می تلخ نباشد چو ز دست تو ستانند

## ۴۴ در همه گزینه‌ها آرایه «واج آرایه» (نغمه حروف) برجسته است، به جز .....

دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود  
وز همه کس وحشت و بیگلگی  
گر نیستی پس چپستی؟ ای همدم تنهای دل  
غنیمت است چنین شب که دوستان بینی

۱) رشته تسیح اگر بگسست معذورم بنادر  
۲) بیا تو برآمیختنم آرزوست  
۳) ای مست شبرو کیستی؟ آیا مه من نیستی؟  
۴) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی

## ۴۵ در همه گزینه‌ها آرایه «جناس» به کار رفته است، به جز .....

بلکه بر گردون گردان نیز هم  
عهد را بشکست و پیمان نیز هم  
گفته خواهد شد به دوستان نیز هم  
بگذرد ایام هجران نیز هم

۱) اعتمادی نیست بر کار جهان  
۲) یاد باد آن کاه به قصد خون ما  
۳) دوستان در پرده می‌گویم سخن  
۴) چون سرآمد دولت شب‌های وصل

## و نمونه‌های ترکیبی، خواستو جمع‌تر کن!

## ۴۶ آرایه‌های درج شده در همه گزینه‌ها در بیت وجود دارند، به جز .....

بیا گمردم خبری زان نگار خواهی داد»  
۳) واج آرایه  
۴) جناس

«نسیم باد صبا جان من فدای تو باد  
۲) تشخیص

## ۴۷ در همه گزینه‌ها آرایه‌های «تشبیه و کنایه» دیده می‌شود، به جز .....

آتش فتاده سوخته دل را روان سوخت  
ز پا افتاده ام اینک چه می‌گویی؟ چه فرمایی؟  
گو بیا سیل غم و خانه ز بنیاد ببر  
دریغند یاران گریبان جان

۱) عشق تو آتش است و دل بنده سوخته  
۲) ز پا افتادگانت را نگفتی دست می‌گیرم؟  
۳) ما چو دادیم دل و دیده به طوفان بلا  
۴) چو بیک اجل دامن او گرفت

## ۴۸ در کدام گزینه، همه آرایه‌های «تشبیه - تشخیص - مراعات نظیر» وجود دارد؟

مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمان  
چنین در خون مسکینان نکوشند  
با دل خون‌شده ما سخنی نیست که نیست  
بعد از این باد به گوش تو رساند خیرم

۱) دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل  
۲) مکن قصد من مسکین که خوبان  
۳) گرچه لعل تو خموش است ولی چشم تو را  
۴) آتش خشم تو برد آب من خاک‌الود

۴۹ در کدام بیت، همه آرایه‌های «واج آرایی - تکرار - جناس - تضاد - تشخیص - تشبیه» وجود دارد؟

- ۱) قلب من گردیده از اکسیر خرسندی طلا
- ۲) سنگ راه من نگرود سختی راه طلب
- ۳) من که چون گوهر ز آب خویش دریایی شدم
- ۴) می‌رباید کوه را چون گاه «صائب» سیل عشق

۵۰ اگر بخواهیم ابیات زیر را به ترتیب داشتن آرایه‌های «تشبیه - جناس - تشخیص - کنایه - تضاد» مرتب کنیم، کدام گزینه درست است؟

- الف) ما چشم عقاب و دل شهپاز نداریم
- ب) فتنه اهل نظر چون به پایش از پی دیگر
- ج) ما را به بهشت و دوزخ کاری نیست
- د) رخ است آن یا چمن یا باغ نسرین؟
- ه) دلم دور از رخت تا صبح دم دوش

- ۱) د - ه - ب - الف - ج      ۲) الف - ج - ب - ه - د      ۳) الف - ج - ه - د - ب      ۴) الف - ه - ج - ب - د

خب، چه طورایی تا اینجا؟ فکر رو آزاد کن که کم کم باید وارد قلمرو فکری بشیم! چنانچه سوال اول رو برای تمرین کردن آوردیم، اینجا توی معنی کردن بیتا و عبارت باید حساسی دقت کنی و مفهوما رو همچنین تر و تمیز و مهربون و مطمئن استخراج کنی! تمرین خوبییه دست به کار شو!

۵۱ با توجه به عبارت «پس، من دنیا را بدان چاه پُر آفت، مانند کردم و موشان سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخ‌ها را به شب و روز؛ و چهار مار را به

طبایع که عماد خلقت آدمی است.» اطلاعات کدام گزینه، به «قلمرو فکری» نویسنده نزدیک‌تر است؟

- ۱) نگرش خردگرا - توصیه به هشیاری
- ۲) نگرش بدبینانه - توصیه به توکل
- ۳) نگرش جبرگرا - توصیه به عبادت
- ۴) نگرش خردگرا - توصیه به خوش‌باشی

۵۲ در همه گزینه‌ها متن به طور آشکار مخاطب را به «خردگرایی» دعوت می‌کند، به جز.....

- ۱) خرد دارد ای پییر بیار نام
- ۲) بخندد بر او هر که دارد خرد
- ۳) تو چیزی میدان کز خرد برتر است
- ۴) خرد جوید آگنده راز جهان

ای جان! شادی‌گرایی! نکته سختی نداره. دیدیم حرف از شادی‌گراییه، گفتیم دو کلمه ما بگیریم، بلکه به کم شاد شی، غم و غصه کنکور یادت بره. علوم هون - سختناش رو بذار کناره کناره. آسونه! تو حرف گوش بده، یاد می‌گیری. اخطامت وا کن. این بینا رو بین، بین چه خوش بودن این شاعرا واسه خودشون! روحشون شادا البته به حرفشون عمل نکنی! سعی کن به صورت معنوی شادی کنی! می‌فهمی که؟!

۵۳ همه گزینه‌ها براساس ویژگی فکری «شادی‌گرا» سروده شده است، به جز.....

- ۱) ساقی، تو بسده بساده و مطرب تو بزن رود
- ۲) بگمارم به صبوح اندر، زین سرخ شراب
- ۳) هر که او غم می‌خورد در عشق او
- ۴) می‌خور ای سید احرار، شب جشن بسده

۵۴ در کدام گزینه «رنگ و بوی فکری و حال و هوای مفهومی چیره بر متن» متفاوت است؟

- ۱) من از برای خور و خواب، تن نپروردم
- ۲) تا چند عمر در هوس و آرزو رود؟
- ۳) نیز چه خواهی دگر خوش بزی و خوش بخور
- ۴) مشو مقید و برائت جهان چون سیل

- همیشه جان به کف و سر بر آستان دارم  
ای کاش این نفس که برآمد فرورود!  
اندک فردا مبر گیتی خواب است و باد  
سبک دو پای تعلق ز گل برآر و برو

**۵۵** از نظر «ویژگی های فکری» کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) بفزای قامت خورد و فکرت
- ۲) خورد شاه را بهترین افسر است
- ۳) خورد را نیست تاب نور آن روی
- ۴) خورد کیمیای صلاح است و نعمت

**۵۶** کدام گزینه از نظر «ویژگی های فکری» با سایرین یکسان نیست؟

- ۱) در مقامات ارجه عاشق را مددها کرد عقل
- ۲) عشق را بیات سلطنت افراخت
- ۳) عقل و دین از کافری های تو خوار
- ۴) خانه دل عشق به تاراج داد

**۵۷** همه مفاهیم داده شده از رباعی زیر در یافت می شود، به جز .....

- «عمری ز پی کام دل و راحت تن  
در داد نداد از بن دندان با من  
۱) دندان از را از کام جهان ریشه کن، کن.  
۳) آسایش بشری در گرو آسودگی دیگران است.

مفزای طلول پیره من و پهن  
هش و دانشش نیک تر لشکر است  
ببرو از بهر او چشم دگر جوی  
خرد معدن خیر و عدل است و احسان

عقل را از عشق قدسی چون توان برتر نهاد؟  
پس اقالیم عقل غارت ساخت  
عشق از سوداگری های تو خوار  
عقل از این واقعه بگریخته است

(اختصاصی آسانی خارج از کشور ۹۹)

گشتیم و ندیدیم جز از رنج و محن  
راحت طلبی ز کام دندان بر کن  
۲) نتیجه تکابوی دنیوی، اندوهی بیش نیست.  
۴) چشم پوشیدن از دنیای فانی، سبب آسایش است.

بعد از «زیانی» و «ادبی»، می رسم به «استخراج نکات فکری» و «تعیین نوع». خوب بخون بین چی می گن. چشمت رو از این روباهه بردار! غافل شی دررفته! تو می مونی و سه تا صورت سؤال خالی! مخصوصاً این که، به «دل»ش اصلاً کاری نداشته باش. ندیدی چی کار کرد تو شعر؟ بارو اومد سراغ دل و اینا، روباهه که حساس، تله و مله رو ریخت به هم، دررفته! نکن آقا جان، نکن! عواهر من، برادر من، نکن! با «دل» شیخی نکن!!

**۵۸** کدام گزینه با بیت «به دل می گفت: با دل نیست بازی / کنون باید به کارم حيله سازی» تناسب معنایی دارد؟

- ۱) همی جویند و وفا از خوب رویان
- ۲) بیای ای ترازه گل برگ بهاری
- ۳) چنان از کرده خود شرمساریم
- ۴) بدین خردی کنه آمد حبه دل

**۵۹** کدام گزینه با بیت های زیر تناسب مفهومی دارد؟

- «چو تمام دل شنید از دور، روباه  
به دل می گفت: با دل نیست بازی  
۱) بگفت از صبر کردن کس خجل نیست  
۲) دل ما گرچه اندر سینه ماست  
۳) دل مکن مرا نیست در این جا قدری  
۴) شب نیست کز تو بر سر هر کو نغیر نیست

**۶۰** در همه گزینه ها به مفهوم بیت «حدیث دل، حدیثی بس شگفت است / که در عالم، حدیثش در گرفته است» اشاره شده است؛ به جز .....

- ۱) ساکن و هر لحظه سیار است دل
- ۲) چیست دل یک عالم بی رنگ و بوست
- ۳) اندکی اندر جهان دل نگر
- ۴) صورت شمیری دل شمیرت نیست

عالم احوال و افکار است دل  
عالم بی رنگ و بو بی چار سوست  
تا ز نور خود شوی روشن بصر  
گرچه دلت هست دلیرت نیست

و باز سؤال «قرابت معنایی»، از نمونه‌های نثر و شعر همین درس و خود ارزیابی‌هاش. می‌گه: زیون به کام بگیر و در بتد این دنیای نامرد ناتوطی نباش! عاشب همه‌مون می‌میریم، ارزش خودت رو بدون، حرفاتو اول مزه‌مزه کن بعد به زیون بیار، صبر داشته باش، می‌گذره. مفهومی مهم و معروف و متنوعی داره خلاصه. بخون که میان! سوالاتی کنکور و بین. می‌گیم قرابت میدان از علوم فنون، می‌گی نه!

#### ۶۱ مفهوم کدام بیت با بیت زیر، یکسان است؟

«قطره آبی که دارد در نظر، گوهر شدن  
 (۱) از مردم کم ظرف نیاید سفر بحر  
 (۲) شده است موج به بحر از شکستگی غالب  
 (۳) ز نقش، بلد به دست است موج دریا را  
 (۴) گواه رهرو آن باشد که سردش یابی از دوزخ

#### ۶۲ ابیات زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«نهنگی بچه خود را چه خوش گفت  
 به موج آویز و از ساحل پرهیز  
 (۱) گر موج خیز حادثه سر بر فلک زند  
 (۲) موجیم که اسودگی ما عدم ماست  
 (۳) «صائب» از فردزوان باش که چون موج سراب  
 (۴) تو سعی کن که به روشن دلان رسی «صائب»

#### ۶۳ کدام بیت، فاقد مفهوم بیت زیر است؟

«صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید  
 (۱) از صبر تلخ چاره من می‌کند طیب  
 (۲) مکن ز بستگی کلر شکوه چون خامان  
 (۳) گرچه رنجوری صبوری کن که در دار فنا  
 (۴) صبوری ورز اگر خواهی که کام دل به دست آری

#### ۶۴ همه ابیات، دارای «مضامین مشترک» اند؛ به جز.....

(۱) در طبع جهان اگر وفایی بودی  
 (۲) آن چه دیدی بر قرار خود نماند  
 (۳) گذر جوی و چندین جهان را مجوی  
 (۴) خاکساران جهان را به حقارت منگر

#### ۶۵ مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر تفاوت دارد؟

(۱) دل منه بر سیم و بر سیمین بران دهر از آنک  
 (۲) تن در این طاس نگون، مانند موری عاجز است  
 (۳) فکر کن بر خاک و مگذر هم‌چو باد ای بی‌خبر  
 (۴) صد هزاران سروران را سر در این ره گوی شد

#### ۶۶ کدام گزینه با عبارت زیر تناسب معنایی ندارد؟

«پیش خویش، زنبورخانه‌ای و قدری شهد یافت. چیزی از آن به لب برد، از نوعی در حلاوت آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه‌اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست که کدام وقت در حرکت آیند، و موشان در بریدن شاخ‌ها، جدّ بلغ می‌نمایند.»  
 (۱) دانسی که بر نگیس سلیمان چه نقش بود؟  
 (۲) میند دل به جهان کاین جهان پیشیز نیرزد  
 (۳) مشو دل بسته هستی که دوران  
 (۴) دلا! ذوقی ندارد دولت دنیا و شادی‌ها

#### (اختصاصی انسانی عارج از کشور ۱۴۰۱)

از کنار ابر تا دریا تنزل بایش  
 پیداست جیبی چه نفس داشته باشد  
 شکسته باش چو خواهی تو را ظفر بخشند  
 صدف ز سادهدلی مخزن گهر باشد  
 نشان عاشق آن باشد که خشکش بینی از دریا

#### (اختصاصی انسانی عارج از کشور ۹۸)

به دین ما حرام آمد کرانه  
 همه دریاست ما را آشیانه  
 عارف به آب تر نکند رخت و تخت خویش  
 ما زنده از اتیم که آرام نگیریم  
 رو به دریای عدم می‌برد این قالب‌ها  
 که سیل واصل دریا چو شد زلال شود

#### (اختصاصی انسانی ۹۸)

دانه چون در آسیا افتد تحمل بایش  
 بیچاره‌ام چه چاره ز بیچارگی مرا؟  
 که صبر غنچه گره را گره‌گشا کرده است  
 هرچه آید بر سر فرزند آدم بگذرد  
 سرانجام همه کارت بود از صبر پلرجا

#### (اختصاصی انسانی عارج از کشور ۹۸)

نوبت به تو خود نیامدی از دگران  
 وین چه بینی هم نماند برقرار  
 گلش زهر دارد به خیره مبیوی  
 تو چه دانی که در این گرد سواری باشد

#### (اختصاصی انسانی عارج از کشور ۹۳)

جمله زیر زمین پر لعبت سیمین بر است  
 دل در این نام بلا، مانند مرغی بی‌پر است  
 کاین همه خاک زمین خاک بتان دلبر است  
 در چنین راه ای سلیم‌القلب، چه جای بر است؟

«پیش خویش، زنبورخانه‌ای و قدری شهد یافت. چیزی از آن به لب برد، از نوعی در حلاوت آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه‌اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست که کدام وقت در حرکت آیند، و موشان در بریدن شاخ‌ها، جدّ بلغ می‌نمایند.»

دل در جهان میند که با کس وفا نکرد  
 به هیچ چیز نگیرش که هیچ چیز نیرزد  
 هر آن را زاد، زاد از بهر کشتن  
 خوشا آن دردمندی‌های عشق و نامرادی‌ها

**۶۷** کدام گزینه با عبارت «آدمی، شریف‌تر خلاق است.» متناسب نیست؟

- ۱) جسام گیتی نمای ما انسان
- ۲) هر چه در کاینات می‌خوانند
- ۳) موج و بحر و حباب و قطره و جو
- ۴) این سرا، خانه خراب بود

**۶۸** کدام گزینه با بیت «هر که می‌خواهد که از سنجیده‌گفتاران شود / بر زبان، بندگرانی از تأمل بایش» تناسب معنایی دارد؟

- ۱) هست بر نقص بصیرت رغبت دنیا دلیل
- ۲) می‌فرزاید دستگاه طاعت از درماندگی
- ۳) از سبک‌سنگی جو کف با موج بسودم هم‌عنان
- ۴) نرم نتوانست کردن آن دل چون سنگ را

**۶۹** مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) اگر گفتار خود سنجیده می‌خواهی تأمل کن
- ۲) نخست اندیشه کن آن‌گاه گفتار
- ۳) در حضور هوشیاران حرف را سنجیده گوی
- ۴) با سیرت پاکیزه و با رای شدید است

**۷۰** کدام گزینه مضمون بیت «هر که زین گلشن لبی خندان تر از گل بایش / خاطری فارغ ز عالم چون توکل بایش» را در خود دارد؟

- ۱) بر لوح دلم نقش خیال تو کشیدند
- ۲) صد سالم اگر رانی و یک روز بخوانی
- ۳) از دشمنی خلق جهان پاک ندارد
- ۴) درد تو نه دردی که بود قبل درمان

**۷۱** کدام گزینه با بیت «هر که زین گلشن لبی خندان تر از گل بایش / خاطری فارغ ز عالم چون توکل بایش» متناسب است؟

- ۱) حسن را از چشم بد شرم و حیا دارد نگاه
- ۲) راز عشق پرده‌در از گفت‌وگو گل می‌کند
- ۳) از توکل می‌توان آمد سلامت بر کنار
- ۴) چون گسست از رشته سوزن زود خود را گم کند

**۷۲** مفهوم کدام بیت با سایرین متناسب نیست؟

- ۱) دم به دم سوخت اسیری که شکبیا نبود
- ۲) تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری ست
- ۳) زمین ست، سیلاب عمارت می‌شود «صائب»
- ۴) دارم به بادبان توکل امیدها

**۷۳** کدام‌گزینه با بیت زیر ارتباط معنایی دارد؟

- «صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید
- ۱) جان‌گدازی اگر به آتش عشق
  - ۲) هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست
  - ۳) بیان شوق چه حاجت که سوز آتش دل
  - ۴) تا نسوزد برنیاید بسوی عبود

**۷۴** کدام گزینه با بیت «صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید / دانه چون در آسیا افتد تحمّل بایش» متناسب است؟

- ۱) خسرو نظر در آن رخ و وان‌گه حدیث صبر
- ۲) گرت جو نوح نبی صبر هست در غم طوفان
- ۳) کام دل حاصل نکردم از صیوری ورنه من
- ۴) تحمّل گفستی و من هم که کردم سال‌ها اقا

حافظ جامع خدا انسان  
بندگان‌اند و پادشاهان انسان  
همه باشند نازد ما انسان  
گر نباشد در این سرا انسان

چشم می‌پوشد ز دنیا هر که صاحب دیده شد  
چار جنب قبله گردد قبله چون پوشیده شد  
لنگر دریا شدم تا گوهرم سنجیده شد  
گرچه خط سرنوشتم محو از آب دیده شد

که گوهر روزی غواص از پاس نفس باشد  
که نامحکم بود بی‌اصل دیوار  
در حریم می‌پرستان نعره مستانه شو  
گفتار چو کردار و چو کردارش گفتار

روزی که نبود از قلم و لوح حکایت  
جز شکر تو جایی نتوان برد شکایت  
آن را که بود از طرف دوست حمایت  
عشق تو نه عشقی که رسد آن به نهایت

شمع را فانوس از باد صبا دارد نگاه  
بوی گل را در گریبان چون صبا دارد نگاه؟  
کشتی ما را خدا از ناخدا دارد نگاه  
شوخ چشمان را نگهبان از خطا دارد نگاه

در به در گشت اسیری که توکل نکنند  
راهرو گمر صد هنر دارد توکل بایش  
منه بر کاهلی زنهار بنیاد توکل را  
هر چند شد سفینه من کاغذین در آب

دانه چون در آسیا افتد تحمّل بایش»  
عشق را کیمیای جان بینی  
دل افسرده غیر از آب و گل نیست  
توان شناخت ز سوزی که در سخن باشد  
پخته داند کاین سخن با خام نیست

اندازه تو نیست، زبان را به کام کن  
بلا بگردد و کام هزارساله برآید  
صبر کردم در غمش چندان که امکان شد مرا  
چه قدر آخر تحمّل بلکه یادت رفته پیمانت

**۷۵** کدام گزینه با بیت «خردهای از مال دنیا در بساط هرکه هست / جبهه واکردهای پیوسته چون گل بایدش» ارتباط معنایی دارد؟

- ۱) ز گوی یار می آید نسیم باد نوروزی
- ۲) چو گل گمر خردهای داری خدا را صرف عشرت کن
- ۳) ز جام گل دگر بلبل چنان مست می لعل است
- ۴) جدا شد یار شیرینت کنون تنها نشین ای شمع

**۷۶** مفهوم کدام گزینه با عبارت «گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته اند.» یکسان است؟

- ۱) از کینه پاک کن دل افگار خویش را
- ۲) از سخت دل زبان نصیحت کشیده دار
- ۳) بگذار تا حدیث غمش رو به رو رود
- ۴) تا چشم شور خلق نازد تو را کباب

**۷۷** کدام گزینه با حکایت زیر تناسب معنایی دارد؟

«پهلوی او را ملامت کرد که چرا شرط ادب بهجا نیاوردی؟ او گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته اند. گفت: آب و گل تو را نیکو سرشته اند، اما لگد کم خورده است!»

- ۱) کند پند ملایم در گران جانان اثر بهتر
- ۲) هیچ کس بی گوش مال تربیت آدم نشد
- ۳) فارغ تر از دل تو ندیدم دلی دگر
- ۴) از سبک بازی گران جانان دنیا غافل اند

حالا تعیین نوع ادبی یعنی آخرین مرحله ...

**۷۸** «نوع ادبی» در کدام گزینه، با سایر گزینه‌ها تفاوت دارد؟

- ۱) کنون نیزه من به گوشت رسید
- ۲) تو را بر تنگ رخس مهمان کنم
- ۳) یکی نیزه زد بر گمر بند اوی
- ۴) مگسوی آن که گمر بر ملا اوفتد

سرت را به خنجر بخواهم برید

سرت را به گویال درمان کنم

که بگسست بنیاد و بیونند اوی

و جودی از آن در بلا اوفتد

**۷۹** کدام گزینه را نمی‌توان نمونه شعر «تعلیمی یا اندرزی» دانست؟

- ۱) چو ما را به غفلت بشد روزگار
- ۲) آتشی کردی و گویی صبر کن
- ۳) برو پیاس درویش محتاج دار
- ۴) بیش از این کار تو چو بسته نمود

تو یاری دمی چند فرصت شمار

من ندانم صبر کردن در تنور

که شاه از رعیت بود تاجدار

بسه قناعت بدوز دیده از

و چنان سؤال هم از گوشه و کنار درسا برای حسن ختام!

**۸۰** در کدام گزینه به نام پدیدآورنده «الهی‌نامه» اشاره شده است؟

- ۱) مولانا جلال‌الدین
- ۲) محتشم کاشانی
- ۳) عطار نیشابوری
- ۴) سعدی شیرازی

**۸۱** عبارت زیر با واژگان کدام گزینه کامل می‌شود؟

«قدیمی‌ترین طبقه‌بندی انواع ادبی در یونان باستان صورت گرفته است؛ آن‌ها از چهار نوع حماسی، غنایی، ..... و تعلیمی، سخن گفته‌اند؛ این تقسیم‌بندی، بیشتر مبنی بر ..... بود و جنبه محتوایی داشت.»

- ۱) اخلاقی - شعر
- ۲) نمایشی - شعر
- ۳) نمایشی - نثر
- ۴) اخلاقی - نثر

# پانچ ماہی تشیحی

۴) به کار رفتن ترکیب «روبه حیلہ ساز» (به دام افتاد روباهی سحرگاه / به روبه‌بازی اندیشید در راه)

توضیح: افاضات این سؤال تفتنی و فاقد هرگونه ارزش آزمونی است و مشخص نیست طراح با آوردن آن در پی سنجیدن چه بخشی از دانش ادبی دلوطلبان بوده!

۱۱) ۳) در این گزینه واژه «قاتل» در معنی «کشنده» برای غیرانسان به کار رفته است.

۱۲) ۱) فعل «گسستن» در عبارت سؤال و گزینه (۱) به معنای «پاره شدن، جدا شدن» است، اما در سایر گزینه‌ها «گسستن» در معنای «پاره کردن، جدا کردن» به کار رفته است.

۱۳) ۲) فعل «گسستن» در این گزینه در معنی «پاره و جدا شدن» به کار رفته و در سایر گزینه‌ها در معنی «پاره و جدا کردن».

۱۴) ۱) مفهوم سایر گزینه‌ها:

۲) واژه کهن: شاخ / واژه امروزی: شاخه

۳) واژه کهن: بنگریست / واژه امروزی: نگریست (کاربرد ادبی دارد).

۴) واژه کهن: اشترسوار / واژه امروزی: شترسوار

۱۵) ۳) «را» در این گزینه نشانه مفعول است و در سایر گزینه‌ها در معنی حرف اضافه به کار رفته است.

۱۶) ۲) «را» در این گزینه در معنی حرف اضافه به کار رفته و در سایر گزینه‌ها نشانه مفعول است.

۱۷) ۳) «را» در این گزینه نشانه مفعول است و در عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها در معنی حرف اضافه به کار رفته است.

۱۸) ۱) پیشوند «همی» در عبارت سؤال، تنها در ساختمان فعل امر دیده می‌شود، و نه فعل مضارع اخباری.

۱۹) ۴) بررسی نوع نگرش، زیرمجموعه بررسی‌های فکری و شیوه‌های تعیین نوع ادبی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) کاربرد شبکه معنایی تناسب: آس - آسیا - پز / نای - چغانه

۲) کاربرد تاریخی دستور و کوتاهی جمله‌ها:

آس شدم زیر آسیای زمانه / نیسته خواهم شدن همی به کرانه / زاد همی ساز / شغل خویش همی پز / چند پزی شغل نای و شغل چغانه

۳) کمی واژگان غیرفارسی و وجود واژگان کهن: آس: سنگ آسیا / چغانه: نوعی ساز (تنها واژه‌های عربی این شعر «شغل» و «زاد» اند).

۲۰) ۳) خوانش درست عبارت: چه (زیرا)، کسی را یابد که به جایش بنویسد

۲۱) ۲) روزه و حج: تناسب

۲۲) ۳) پدر و پسر: تناسب

۲۳) ۴) رنگ و احمر (قرمز): تضمّن

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) واژه «یاد» در مصراع اول، فعل داعی است.

۲) واژه «گل» با تلفظ «گِل» و به معنی «خاک آمیخته با آب» است.

۳) واژه «شکر»، با تلفظ «شُکر» و به معنی «سپاس» است.

۱) ۴) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴) ناتوانی در شناخت خدا

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) ستایش پروردگار به صفات حکمت و رحمت / خداوند راه کمال هر پدیده را به او نشان داده است.

۲) ظهور قدرت الهی در قالب معجزات فراوان از سوی پیامبر اسلام (ص)

۳) ستایش پروردگار به صفات کمال، جاودانگی، و بی‌نقص و کاستی بودن

۲) ۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲) ناتوانی در شناخت خدا

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) عاشق همواره به یاد معشوق است. / برتری یاد معشوق بر همه چیز

۲) لازمه رسیدن به خداوند، ترک تعلقات دنیا و آخرت است.

۴) مقترن بودن روزی / توصیه به انجام عمل مورد رضایت خداوند

۳) ۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲) غیر قابل وصف بودن خداوند

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) شورانگیزی توصیف و یاد ممدوح

۳) وصف زیبایی معشوق

۴) ستایش زیبایی معشوق / بالیدن شاعر به سخنوری خود

۴) ۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲) ناشناختنی بودن معشوق

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) برتری زیبایی معشوق بر همه زیبایی‌ها

۳) برتری زیبایی معشوق بر همه زیبایی‌ها

۴) ارزشمندی دل / برتری عالم دل بر بهشت

۵) ۳) مفهوم بیت‌های گزینه (۳) عجز انسان از توصیف خداوند

مفهوم سایر بیت‌ها:

الف) هم‌دردی و ترحم بر عاشق رنج‌دیده

ب) بی‌خبری عاشقانه

ه) قطع نکردن روزی با وجود ارتکاب گناه

۶) ۱) در گزینه (۱) مصراع اول باید طوری خوانده شود که نشان بدهد با

پایان یافتن آن، سخن شاعر هنوز تمام نشده، بلکه ادامه سخن، در مصراع دوم است. در سایر گزینه‌ها در پایان مصراع اول، درنگ کامل وجود دارد.

۷) ۲) در ابیات «ج»، «د» و «و» بیت را باید طوری بخوانیم که نشان بدهد

سخن شاعر در مصراع نخست تمام نشده و در مصراع دوم ادامه پیدا می‌کند. در

سایر ابیات، مصراع‌ها به طور مستقل خوانده می‌شوند

۸) ۳) لحن شاعر در گزینه (۳) رضایت و خشنودی

لحن مشترک در سایر گزینه‌ها: اظهار شرمساری و امید بخشایش به درگاه خدا

۹) ۲) «بارست» در این گزینه صرف «فعل بارستن» است و در معنی «توانایی

داشتن» به کار رفته، اما در سایر گزینه‌ها «بارست» ترکیبی است از دو واژه «بار» و «است».

۱۰) ۲) بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) به کار رفتن واژه «گازران» (که گر صیاد بیند هم‌چنینم / دهد حالی به گآزر یوستینم)

۳) به کار رفتن فعل «بارستن (نیارم)» (چو صیاد آمد، او را مرده پنداشت / نمی‌بارست

روبه را کم انگاشت)



## ۲۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) وفا یعنی جفا

(۲) تلخ یعنی شیرین / شکر یعنی زهر (به تعبیری) / حلوا یعنی زهر (به تعبیری)

(۴) بنشست یعنی برخاست

## ۲۵ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) دشمنان یعنی دوستان / پست یعنی والا

(۲) غم یعنی شادی

(۴) درد یعنی درمان

۲۶ در این گزینه باید به تلفظ واژه «زهره» (جرات) دقت کنیم.

۲۷ قرار گرفتن قافیه در پایان هر دو مصراع یک بیت، نشانه این است که قالب شعر می‌تواند «مثنوی» باشد، در سایر گزینه‌ها، دو مصراع، هم‌قافیه نیستند.

۲۸ در قالب مثنوی، مصراع‌ها دو به دو هم‌قافیه‌اند

بررسی گزینه (۱) ردیف: است / واژگان قافیه: سر، رهبر

## بررسی سایر گزینه‌ها:

در هر سه گزینه دیگر، مصراع‌های اول و دوم هم‌قافیه نیستند و با توجه به فضای عاشقانه آن‌ها، قالب اشعار، غزل است.

## ۲۹ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) تشبیه روح به طوطی / تشبیه کلام به قوت

(۲) تشبیه لب به لعل

(۴) تشبیه لب به یاقوت / تشبیه دندان به مروارید

## ۳۰ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) تشبیه روز بدون تو (معشوق) به شب / [این موضوع] به روز

(۲) تشبیه خورشید به روی تو / خورشید به بندگان

(۳) روی به مه / زلف به کمند

## ۳۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) روی به مه / آستان به سجده‌گه

(۳) سیلاب سرشک (اضافه تشبیهی) / طوفان بلا (اضافه تشبیهی)

(۴) بالا (قامت) معشوق به شاخ شمشاد، سرو سہی، نارون و صنوبر، و بلا (به تعبیری)

۳۲ تشبیه زلف به کمند / ابرو به کمان / قامت به سرو / روی به بهار (۴ مورد)

## بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) آتش غم به آتش / تو به پروانه / تو به شمع (۳ مورد)

(۲) —

(۴) منس وجود (۱ مورد)

۳۳ در گزینه (۳) توکل استعاره از معشوق است.

## بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) کشته شدن فراق، نسبت دادن روز (بخت و اقبال) و خان و مان به آن و نیز نفرین در حق آن

(۲) مخاطب قرار گرفتن باد صبا و این که صبا بتواند یاری کند، ببیند، رنجه شود و بنگرد.

(۴) نسبت دادن رخ و نقاب به اندیشه / نسبت دادن زلف به سخن و شانه زدن آن

## ۳۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) گریستن ساغر می و نالیدن چنگ

(۳) جان‌بخشی به گل و صبا (برده افکندن باد صبا از رخسار گل)

(۴) شرمگین و پنهان شدن مه

## ۳۵ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) جان‌بخشی به حُسن و برق

(۲) جان‌بخشی به رنا

(۳) جان‌بخشی به عشق و ریگ

## ۳۶ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) خوشه‌چینی کنایه از گنایی / خرمن‌سوز بودن کنایه از مال‌باخته و ناکام بودن

(۲) نقش کسی از لوح دل و جان رفتن کنایه از بی‌مهر شدن نسبت به او

(۴) بر باد رفتن کنایه از نابود شدن

## ۳۷ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) دهان کسی را دوختن کنایه از او را وادار به سکوت کردن / برده‌داری کنایه از رسوا کردن

(۲) دست شستن کنایه از ترک کردن و صرف نظر کردن / دست کسی را گرفتن کنایه

از یاری کردن / کسی را در دل گذاشتن کنایه از به او عشق ورزیدن

(۴) پا فشردن کنایه از اصرار کردن / چیزی را از دست کسی گرفتن کنایه از آن را

از مالکیت و اختیار او به درآوردن / دل از دست کسی گرفتن کنایه از او را عاشق

کردن / از کف دادن کنایه از درباختن

## ۳۸ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) چین، ترک، روم، بربر / بنفشه، گل، سمن / زلف، رو، تر

(۲) دست، پا

(۴) ماه، خورشید / کام، امید

۳۹ مراعات نظیر: زلف، چشم، ابرو، [گفتار] (دست کم ۳ مورد)

## بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) طیب و مرهم (۲ مورد)

(۳) عرضه کردن، بازار (۲ مورد)

(۴) ستم و ستم‌کار (۲ مورد)

## ۴۰ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) به سر رسید یعنی به سر نرسید

(۳) حقیقت یعنی مجاز

(۴) ظلمت یعنی نور / کفر یعنی ایمان

## ۴۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) بو: ۱- رایحه، شمیم ۲- آرزو، امید

(۳) عهد: ۱- روزگار، دوران ۲- پیمان

(۴) شیرین: ۱- معشوق فرهاد ۲- نوعی مزه

## ۴۲ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) تو، کسی، خیره (۲) خورشید، گل (۴) رو، به، آفتاب

۴۳ در این گزینه دو واژه «زاد» جناس تام دارند؛ به ترتیب، به معنی

«توشه» و «به دنیا آمد»

## بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) تکرار واژه «سرو» (۳) تکرار واژه «دوست» (۴) تکرار واژه «دست»، تو

۵۴ ۲ منظور از «رنگ و بوی فکری و حال و هوای مفهومی چیره بر متن»

بررسی «قلمروی فکری» و مفاهیم است.

مفهوم گزینه (۳) دعوت به خوش‌باشی و کام‌جویی و غنیمت شمردن فرصت

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

ترک تعلقات و وابستگی‌های دنیوی

۵۵ ۳ ویژگی فکری گزینه (۳) ناتوانی خرد در شناسایی عشق و زیبایی

ویژگی فکری سایر گزینه‌ها:

ستایش خرد و خردورزی

۵۶ ۳ مفهوم گزینه (۳) غلبه مخاطب بر عقل و دین و عشق

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

تقابل عشق و عقل

۵۷ ۳ برای درک مفهوم رباعی سؤال ناچاریم آن را بازگردانی کنیم. اما طراح

سؤال در رباعی خاقانی تغییراتی به‌وجود آورده که مصراع سوم را مبهم ساخته از

این رو ابتدا شکل صحیح رباعی را می‌آوریم و سپس به بازگردانی آن می‌پردازیم:

«عمری ز بی کام دل و راحت تن / گشتیم و ندیدیم به‌جز رنج و محن

درد آمد و گفت از بن دندان ما من / راحت‌طلبی، ز کام دندان برکن»

بازگردانی: عمری را صرف رسیدن به خواسته‌ها و آرزوها و آسایش‌طلبی کردیم، اما

چیزی جز رنج و سختی نصیبمان نشد. درد با همه وجود به من این را گفت که

[اگر می‌خواهی از سختی‌ها نجات یابی] راحت‌طلبی را رها کن و طمع رسیدن به

آن را از وجودت پاک‌ساز.

۵۸ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴) ارزشمندی دل

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) بی‌وفایی زیبارویان

(۲) ستایش معشوق و طلب عنایت از او

(۳) خودآزمایی

۵۹ ۲ مفهوم مشترک بیت‌های سؤال و گزینه (۲) ارزشمندی دل

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) بی‌قراری عاشق و تقابل عشق و صبر

(۳) بی‌قدری دل‌عاشق / فراوانی دل‌دادگان معشوق

(۴) دیرینگی و فراگیر بودن غم هجران / فراوانی دل‌دادگان معشوق

۶۰ ۴ مفهوم گزینه (۴) متناسب نبودن ظاهر با باطن

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ارزشمندی دل

۶۱ ۲ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳) شکسته‌نفسی و تواضع، کلید

کامیابی است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) هر کسی، مرد راه حقیقت و عشق نیست.

(۳) ستایش بی‌آلایشی باطن

(۴) در امان بودن عاشقان حقیقی

۴۴ ۲ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) تکرار صامت «س»

(۳) تکرار صامت‌های «س» و «ت» و مصوّت بلند «ی»

(۴) تکرار صامت «ش» و مصوّت کوتاه «س»

۴۵ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) گردون، گردان (۲) یاد، باد (۳) دوستان، دستان

۴۶ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) تشخیص: جان‌بخشی به باد صبا

(۳) واج‌آرایی: تکرار مصوّت بلند «ا»

(۴) جناس: باد (جریان هوا)، باد (فعل دعایی) / یاد، داد

۴۷ ۲ تشبیه: — / کنایه: ز با افتادن کنایه از ناکام و ناکارآمد شدن /

دست‌گرفتن کنایه از یاری کردن

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) تشبیه: عشق به آتش / کنایه: سوختن دل و سوختن روان کنایه از رنج و آزار

بسیار کشیدن در عشق

(۳) تشبیه: طوفان بلا (اضافه تشبیهی) / سیل غم (اضافه تشبیهی) / کنایه: دل

دادن کنایه از عاشق شدن / خانه ز بنیاد بردن کنایه از کاملاً نابود کردن

(۴) تشبیه: بیک اجل (اضافه تشبیهی) / کنایه: دامن کسی را گرفتن در این جا

کنایه از او را گرفتار کردن / گریبان جان دریدن کنایه از شیون و بی‌تابی تا حد مرگ

۴۸ ۴ تشبیه (اضافه تشبیهی): آتش خشم

تشخیص: این‌که باد بتواند خبری به گوش معشوق برساند.

مراعات‌نظیر: آب، باد، خاک و آتش (مجموعه عناصر چهارگانه)

۴۹ ۴ واج‌آرایی: تکرار مصوّت بلند «ا» (۷ بار) و صامت «ر» (۵ بار)

تکرار: واژه کوه / جناس: کوه، کاه / تضاد: کوه به کاه / تشخیص: این‌که سیل عشق

کوه را برآید، تشخیص است. / تشبیه: کوه به کاه / سیل عشق / صبر به کوه قاف

۵۰ ۱ تشبیه (بیت «د»): تشبیه رخ به چمن و باغ نسرین / تشبیه قد به

حرف «الف» و سرو سیمین

جناس (بیت «ه»): دور، دوش / ماه، آه

تشخیص (بیت «ب»): نسبت دادن صفت «دوان» به اشک

کنایه (بیت «الف»): چشم عقاب نداشتن کنایه از تیزبین نبودن / دل شهباز نداشتن

کنایه از جرأت نداشتن

تضاد (بیت «ج»): بهشت به دوزخ / نیست به است

۵۱ ۱ متن بی‌انگیز «نگرش خردگرا»ی نویسنده و توصیه او به «هشیاری» است.

۵۲ ۲ در این گزینه، رفتار و عملکرد شخص مورد نظر، از سوی خردمندان

مورد سرزنش و تمسخر است، اما پیام بیت، دعوت به خردمندی نیست.

۵۳ ۲ در این گزینه به «غم‌گرایی» اشاره شده، اما در سایر گزینه‌ها، ویژگی

فکری «شادی‌گرا» مورد توجه است.

سستی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) آرامش و بی‌تعلقی عارفان

(۳) ناپایداری دنیا

(۴) توصیه به وصال اهل دل / وصال موجب پالایش درون است.

۶۳ ۱ مفهوم گزینه (۱): تقابل عشق و صبر

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

صبر، کلید کامیابی است.

۶۴ ۴ مفهوم گزینه (۴): ستایش فروتنی / نکوهش ظاهرین

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

ناپایداری دنیا

۶۵ ۲ مفهوم گزینه (۲): گرفتاری و عجز انسان در جهان

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

ناپایداری و بی‌اعتباری عمر و وجود انسان

۶۶ ۴ مفهوم گزینه (۴): خودآزاری عاشق / غم‌پرستی

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

نکوهش دل بستن به دنیا

۶۷ ۳ مفهوم گزینه (۳): تجلی همه پدیده‌ها در وجود انسان

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

انسان، اشرف مخلوقات است.

۶۸ ۳ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): توصیه به سنجیدگی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) تقابل بصیرت با تعلقات دنیوی

(۲) درماندگی زمینه‌ساز تضرع و اظهار نیاز است.

(۴) جور و جفا و بی‌اعتنایی معشوق

۶۹ ۴ مفهوم گزینه (۴): تناسب گفتار با کردار

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

توصیه به سنجیده‌گویی

۷۰ ۳ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): ضرورت توکل و کافی بودن خداوند

برای بنده

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ازلی بودن عشق

(۲) لذت جنفای معشوق

(۴) بی‌درمان بودن درد عشق

۷۱ ۳ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): توصیه به توکل

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) حیا موجب مصونیت است.

(۲) راز عشق پنهان‌کردنی نیست.

(۴) ضرورت حفظ کردن خود

۷۲ ۲ مفهوم گزینه (۳): نکوهش تنبلی و سوء استفاده از توکل

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

توصیه به توکل

۷۳ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): تحمل زنج موجب رشد و کمال است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) عشق موجب ارزشمندی است.

(۲) عشق، هویت‌دهنده و زندگی‌بخش است.

(۳) ظاهر، آینه باطن است.

۷۴ ۲ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): صبر، کلید کامیابی است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) تقابل عشق و صبر

(۳) بی‌حاصل بودن صبر / تقابل عشق و صبر

(۴) گله از بی‌وفایی معشوق

۷۵ ۲ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): توصیه به خوش‌باشی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) شورانگیز بودن عشق

(۳) شورانگیز بودن عشق

(۴) غم فراق / توصیه به تسلیم و رضا / تقدیرگرایی

۷۶ ۲ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۲): تغییرناپذیری سرشت موجودات

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) نکوهش کینه‌توزی و دعوت به خوش‌قلبی و امیدواری

(۳) هر کسی محرم راز عشق نیست.

(۴) هشدار نسبت به تنگ‌نظری دیگران و توصیه به شریک کردن دیگران در خوشی خود

۷۷ ۲ مفهوم مشترک حکایت سؤال و گزینه (۲): تربیت، وابسته به تنبیه است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) نرمی و مدارا موجب تأثیر سخن است.

(۳) توصیف آسوده خیالی معشوق

(۴) پاک‌بازی و بی‌تعلقی

۷۸ ۴ نوع ادبی در گزینه (۴): تعلیمی

نوع ادبی در سایر گزینه‌ها:

حماسی

۷۹ ۲ اندرزهای مطرح‌شده در هر بیت:

(۱) پرهیز از غفلت و توصیه به غنیمت شمردن فرصت

(۳) درویش‌نوازی

(۴) ترک حرص و توصیه به قناعت

۸۰ ۳ الهی‌نامه: عطار نیشابوری

۸۱ ۲ قدیمی‌ترین طبقه‌بندی انواع ادبی در یونان باستان صورت گرفته

است؛ آن‌ها از چهار نوع حماسی، غنایی، نمایشی و تعلیمی، سخن گفته‌اند؛ این

تقسیم‌بندی، بیشتر مبتنی بر شعر بود و جنبه محتوایی داشت.

۸۲ ۴ «عاطفه» اساسی‌ترین عامل پیدایش شعر است.